پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 2322-3472 • شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2022.72360.1147
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در مواجهه با ورود نفت شیل آمریکا به بازار جهانی

ویدا ورهرامی[1]، مهدی فردوسیان[2]

مقالهٔ پژوهشی

چکیده

تولید شتابان نفت شیل، افزون‌بر استقلال نفتی آمریکا، سبب بروز تغییرات بنیادینی در بازار نفت (افزایش شتابان عرضه و کاهش پیاپی قیمت) در چند سال اخیر شده است، اما این استقلال نفتی، موجب تغییرات بنیادینی در دیدگاه سیاسی و امنیتی آمریکا دربارهٔ کشورهای نفتی نیز شده است. اعمال فشار بیشینه تا حذف نفت کشورهای ایران و ونزوئلا از بازارهای جهانی، گواه آشکاری بر این تغییر سیاست آمریکاست. همچنین، پیروی کشورهای دیگر (تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نفت) از آمریکا، بیانگر پایداری هژمونی آمریکا در عرصهٔ بین‌الملل است. در پژوهش حاضر، ضمن تأکید بر هژمونی آمریکا از جنبه‌های گوناگون، بیان شده است که آمریکا می‌تواند بدون ترس از اختلال در عرضهٔ نفت و به‌پشتوانهٔ قدرت خود، سیاست‌هایش را بر بازار نفت حاکم کرده و بخشی از سهم بازار کشورهای نفتی را تصاحب کند. در این پژوهش با معرفی شاخصی (که نشان‌دهندهٔ میزان همسویی سیاسی و اقتصادی کشورهای تولیدکنندهٔ نفت با آمریکاست)، روابط اقتصادی و سیاسی آمریکا با کشورهای تولیدکنندهٔ نفت را بررسی کرده‌ایم. برپایهٔ این شاخص، کشور روسیه، هدف بالقوهٔ بعدی آمریکا در بازار نفت معرفی شده است. همچنین، با طراحی یک بازی پویا با اطلاعات کامل، انتخاب‌های دو کشور ایران و آمریکا را برای حذف ایران از بازار نفت، واکاوی کرده و با ارزش گذاری پیامد هریک از کنش‌ها (آمریکا) و واکنش‌ها (ایران) در طول این بازی (جنگ نفتی، در سه دورهٔ کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت، راهبرد فعلی ایران و آمریکا (که موجب حذف ایران از بازار نفت شده است) را بازگو کرده‌ایم.

واژگان کلیدی:
بازار جهانی نفت، نفت شیل، ایران، آمریکا، نظریهٔ بازی‌ها

۱. عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، v_varahrami@sbu.ac.ir
ORCIDIR:8852-1869-0002-0000

۲. دانش آموختهٔ اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
ferdosian917@gmail.com

Reducing Iran's Economic Vulnerability to the U.S. Shale Oil Entry into the Global Market

Vida Varahrami[3],Mehdi Ferdosian[4]

Abstract

In recent years, the accelerated production of SHELL Oil has led to US Oil Independency alongside with fundamental changes in the oil market (acceleration in Oil supply and Constant decline of prices). But this oil independence has also led to fundamental changes in the US political and security perspective toward of oil-rich countries. Exerting maximum pressure for removing Iranian and Venezuelan oil from world markets is a clear indication of this change in US policy. The adherence of other countries (oil producers and consumers) with the United States also indicates the stability of US hegemony in the international arena. Therefore, by stating the conditions of the crude oil market, we provide an overview of the current situation of the crude oil market which indicates the existence of surplus oil for a long period time which reduces the probability of supply shocks in the oil market. On the other hand, by expressing the American hegemony from various aspects, we conclude that by using its power, the United States can impose its policies on the oil market without fearing the oil supply disruptions, and seize part of the market of oil rich countries. In the following, we introduce an index (which indicates the degree of political and economic alignment of oil-producing countries with the United States policies) in order to examine the US economic and political relations with oil-producing countries, and based on this index we introduce Russia as the next potential target for the United States at the oil market. Finally, by designing a dynamic game with complete information, we examine the choices of Iran and the United States for removing Iran from the oil market and then we evaluate the current strategy of Iran and the United States (which has led to elimination of Iran from the oil market) and the consequences of each action (US) and reactions (Iran) during this Oil game (war) in short-term, medium-term and long-term periods.

Keywords: Global Crude Oil Market, Sell Oil, Iran, US, Game Theory

3 . Associate professor in Shahid Beheshti university, v_varahrami@sbu.ac.ir, ORCIDIR: 8852-1869-0002-0000

4 . Master in economics, Shahid Beheshti university, ferdosian917@gmail.com

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

توسعهٔ نفت شیل در آمریکا، پیامدهای مثبت و منفی زیادی برای امنیت انرژی در سطح بین‌الملل دارد. وجه مثبت آن، افزایش عرضهٔ جهانی نفت و کاهش نگرانی‌ها در مورد شوک‌های نفتی سمت عرضهٔ بازار نفت است. اما وجه منفی آن نیز بهره‌برداری سیاسی از آن در راستای اهداف ژئوپلیتیکی علیه کشورهای تولیدکنندهٔ سنتی نفت و همچنین، فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بر واردکنندگان نفت برای کسب سهم بیشتر از بازار نفت مصرفی آن‌ها است. به‌طورکلی، با ورود نفت شیل آمریکا به بازارهای جهانی (آمریکا به‌عنوان یک صادرکنندهٔ جدید) و این چشم‌انداز که این صادرات در چند سال آینده، افزایش چشمگیری خواهد داشت و همچنین، وجود نفت مازاد در بازار به‌دلیل کاهش سرعت رشد تقاضای نفت و افزایش صادرات تولیدکنندگان دیگر، شکی باقی نمی‌ماند که برخی از تولیدکنندگان باید از بازار عرضهٔ نفت (چه به‌صورت کلی و چه به‌گونه‌ای جزئی) خارج شوند. اما اکنون پرسش مهم و بنیادین (که در این پژوهش نیز بررسی شده است) این است که «کدام تولیدکنندگان باید از این بازار خارج شوند؟» و «نقش آمریکا به‌عنوان قدرت بی‌بدیل جهانی در حذف تولیدکنندگان دیگر نفت چیست؟».

ایران، به‌عنوان یکی از اعضای اوپک، از ذخایر اثبات‌شدهٔ چشمگیری برخوردار است و نزدیک یکصد سال است که به‌عنوان صادرکنندهٔ نفت خام در جهان معروف است. صادرات نفت کشورمان، همواره تابع روابط سیاسی و اقتصادی ما با کشورهای دیگر بوده است. گاهی ایران برای گرفتن امتیازهایی از قدرت‌های بزرگ، از صادرات به‌عنوان عامل فشار و برگ برنده استفاده کرده و گاهی نیز صادرات نفت ایران به پاشنهٔ آشیلی در روابط ایران با کشورهای دیگر تبدیل شده و تحمیل فشارهای اقتصادی و سیاسی سختی را بر ایران در پی داشته است. اما فارغ از همهٔ خوبی‌ها و بدی‌های صادرات نفت برای اقتصاد ایران، امروزه این حوزه با خطر بزرگ حذف کامل از بازارهای جهانی روبه‌رو است. در یک‌سال‌ونیم اخیر، آشکارا مشخص شد که حذف دست‌کم 1/8 میلیون بشکه نفت ایران از بازار (بر پایهٔ داده‌های FRED[5] نفت ایران از 2/15 میلیون بشکه در روز از میانهٔ سال 2017 به 300 هزار بشکه در روز در پایان سال 2019 رسیده است)، چندان تأثیری بر قیمت نفت نداشته و جای خالی ایران، توسط تولیدکنندگان دیگر نفت پر شده است. نکتهٔ مهم دراین‌باره این است که کشورهایی مانند چین و هند که مبادلات اقتصادی فراوانی با ایران داشته‌اند نیز زیر فشار آمریکا، تحریم‌های این کشور را پذیرفته و خرید نفت خود را به میزان چشمگیری کاهش داده‌اند. کشورهای اروپایی نیز تنها به حمایت‌های کلامی بسنده کرده و درعمل، هیچ نفتی از ایران خریداری نکرده‌اند. اکنون انتخاب یک راهبرد اقتصادی‌ـسیاسی در رویارویی با این فشارهای حداکثری در کشور

۵. Federal Reserve EconomicData

ضروری به‌نظر می‌رسد تا بتوان از پیامدهای ناخوشایند اقتصادی-سیاسی آن در آینده جلوگیری کرد. اما پیش از درپیش گرفتن هرگونه راهبردی، شناخت و بررسی نقاط قوت و ضعف کشور و همچنین، بررسی بازیگران دیگر و زمین بازی بسیار اهمیت دارد؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، نخست، بازار نفت و بازیگران آن و همچنین، تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی آمریکا و نقاط قوت و ضعف ایران واکاوی شده و در پایان، راهبردهای موجود و بهترین راهبرد ممکن دراین‌راستا تحلیل و بررسی شده است.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی بازار نفت خام است که به‌سبب افزایش عرضهٔ نفت خام (به‌دلیل انقلاب نفت شیل) دچار تغییرات بنیادینی شده و بروز رقابت‌های شدیدی را بین تولیدکنندگان برای کسب سهم بیشتر از بازار در پی داشته است که این به‌نوبهٔ خود، موجب بروز شوک‌های سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای در برخی کشورها شده است. هدف دوم، نشان دادن این واقعیت است که افزایش تولید، به آمریکا اجازه داده است که به‌سبب عدم وابستگی به نفت خاورمیانه و بدون ترس از بروز شوک‌های عرضه در بازار نفت (به‌موجب مازاد عرضهٔ جهانی) بتواند راهبردهای سیاسی و اقتصادی خود را در جهان به‌پیش ببرد. هدف بعدی، تعیین راهبردی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر فشارهای آمریکا است. در ادامهٔ پژوهش، در پی بررسی شاخص همسویی و طراحی یک بازی میان ایران و آمریکا بوده‌ایم؛ بنابراین، در بخش دوم، پیشینهٔ پژوهش، در بخش سوم چارچوب نظری، در بخش چهارم الگوی پژوهش و در بخش پنجم، نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان شده است.

۱. پیشینهٔ پژوهش

ترابی و منظور (1398) در پژوهشی با عنوان «تحلیل بازار جهانی نفت با تأکید بر نقش نفت شیل: رویکرد پویایی سیستمی» با طراحی و اجرای یک الگوی پویای سیستمی برای پیش‌بینی اثرات تولید نفت شیل بر عرضه و تقاضای نفت، تعامل میان تقاضای نفت، عرضهٔ نفت اوپک و غیراوپک، عرضهٔ نفت از منابع شیل، قیمت نفت، رشد اقتصاد جهانی، توسعهٔ ذخایر جدید نفت و انرژی‌های جایگزین نفت را بررسی کرده‌اند. نتایج این شبیه‌سازی نشان داده است که در سال 2030، تقاضای نفت با نرخ رشد متوسط 1/4 درصدی به 117میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. عرضهٔ نفت توسط کشورهای غیراوپک، با رشد متوسط 0/9درصد در سال به 64 میلیون و عرضهٔ نفت شیل با رشد متوسط 10درصد سالانه به 19میلیون بشکه در روز خواهد رسید. عرضهٔ نفت اوپک نیز در حدود 34 میلیون بشکه در روز ثابت خواهد بود و قیمت نفت با رفتاری نوسانی بین 20 تا 130 دلار، نوسان خواهد داشت.

شهریاری و همکاران (1398) در پژوهشی با عنوان «بررسی سیاست‌های نفتی ایران در اوپک برپایهٔ نظریهٔ بازی‌ها» پس از واکاوی تعارض‌های اقتصادی بین اعضای اوپک، رقابت‌های درونی اوپک را در چارچوب نظریهٔ بازی‌ها بررسی کرده‌اند. دراین‌راستا، رقابت درونی اعضای

اوپک به‌شکل یک بازی رهبر-پیرو الگوسازی شده و با تعیین تابع سود کشورهای عضو اوپک، نقطهٔ تعادل بازی به‌عنوان راهبرد رفتار پیرو محاسبه شده است. سرانجام نیز با توجه به نقطهٔ تعادل محاسبه‌شده، میزان تولید بهینه و راهبرد بهینهٔ ایران تعیین شده است.

خاتمی (1399) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نظریهٔ بازی‌های تکاملی در سیستم‌های محاسباتی مبتنی‌بر عامل: کشورهای نفتی اوپک»، رفتار کشورهای اوپک را بررسی کرده است. نتایج اجرای 4 الگوی رفتاری مبتنی‌بر عامل در این پژوهش، بیانگر این است که با وجود دودستگی بین اعضا (کشورهای شکیبا و ناشکیبا) و نیز برخورداری کشورهای ناشکیبا از ذخایر نفتی گسترده، اعضا در یک فرایند تکاملی، به‌تدریج شیوهٔ اتخاذ سیاست در برابر گروه رقیب را می‌آموزند؛ بنابراین، امکان بهره‌مندی اعضای ناشکیبای اوپک از سهم بیشتری از بازار در برابر گروه رقیب و عقب راندن آن‌ها از موضع سلطه بر بازار نفتی اوپک، وجود خواهد داشت.

در میان پژوهش‌های خارجی نیز مدوباچی در پژوهشی با عنوان «بازتاب نفت شیل بر امنیت خلیج فارس» به این نتیجه رسیده است که نفت شیل به رقیب بالفعلی برای نفت خاورمیانه تبدیل شده است و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باید در پی جایگزینی برای صنعت نفت، به‌عنوان موتور اصلی اقتصاد خود، باشند (البته امارات متحدهٔ عربی یکی از کشورهای انگشت‌شماری است که با صنعت گردشگری، موفق به ارائهٔ چنین جایگزینی برای نفت شده است). نویسندهٔ این پژوهش همچنین، پیشنهاد می‌کند که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای حفظ حمایت آمریکا باید در نفت شیل ایالات متحده سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا، ماهیت چنین سرمایه‌گذاری‌ای سبب به‌وجود آمدن یک تعهد مالی بین آن‌ها و درنتیجه، تأمین امنیتشان به‌گونه‌ای معقول می‌شود (Maduabuchi, 2017).

توما، در پژوهشی با عنوان «تأثیر توسعهٔ تولید نفت شیل بر قیمت نفت خام و چشم‌انداز آینده: بررسی ادبیات» کوشیده است درک بهتری دربارهٔ تولید نفت شیل و تأثیر آن بر قیمت نفت خام ایجاد کند و دراین‌راستا، دیدگاه‌های گوناگون موجود دربارهٔ این تأثیر را بررسی کرده است؛ اما تنها به بیان دیدگاه‌ها بسنده کرده و در مورد چشم‌انداز آیندهٔ بازار (به‌دلیل وضعیت اقتصاد جهانی، تولید نفت شیل، عدم توافق‌های اوپک و غیراوپک، و...) بروز شوک عرضه را غیرمحتمل می‌داند (Tuama, 2018).

ژولانواز در پژوهشی با عنوان «رونق نفت شیل و اقتصاد ایالات متحده: تجزیه‌وتحلیل متغیر زمانی» نشان داده است که پیش از رونق شیل، اقتصاد ایالات متحده به‌عنوان یک واردکنندهٔ نفت، به شوک‌های افزایش قیمت نفت پاسخ منفی نشان می‌داد، ولی پس از رونق صنعت نفت شیل، پاسخ‌ها به شوک‌های افزایش قیمت نفت بیشتر به‌عنوان صادرکنندهٔ نفت بود و این امر نشان‌دهندهٔ تغییرات عمده‌ای در دیدگاه سیاسی آمریکا در بازار نفت آینده است (Zhulanovaz, et. al, 2018).

سابتان، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی اثرات تحریم اقتصادی»، اثر تحریم‌های اقتصادی در چارچوب تعارض بین سازمان کشورهای صادرکنندۀ نفت (اوپک) و تولیدکنندگان نفت شیل آمریکا را در سال 2014 بررسی کرده و با استفاده از الگوی نمودار برای حل تعارض، نشان داده است که تفاوت بین رتبۀ اولویت اصلی و رتبه‌بندی‌های موردنیاز، سبب محاسبۀ نادرست قدرت فشار اقتصادی (که اوپک با کاهش قیمت به بازار نفت تحمیل کرد) شد؛ زیرا، اوپک انتظار داشت که این تحریم، سبب آسیب جدی و شاید نابودی صنعت نفت شیل شود، اما تولیدکنندگان شیل، توانستند این فشارها را تحمل کنند. همچنین، تجزیه‌وتحلیل الگوی نمودار چرایی پایان یافتن این درگیری را به‌این‌شکل بیان می‌کند (Sabtan, et al., 2019).

فروندل در پژوهشی با عنوان «تجزیه‌وتحلیل تحول بازار نفت خام پس از بحران با استفاده از نظریۀ بازی‌ها» بازار نفت را بر پایۀ نظریۀ بازی‌ها بررسی کرده و دو الگوی نظری از نظریۀ بازی را در مورد چهار قدرت بین‌المللی در دورۀ پیش و پس از بحران 2014 به‌کار بسته و نشان می‌دهد که پس از به‌کارگیری این الگوها، داده‌ها چقدر به واقعیت نزدیک هستند. همچنین، نشان داده است که قیمت نفت بیشتر تحت تأثیر کمیت نفت خام در بازار بین‌المللی است، اما عوامل کیفی مهمی نیز در این حوزه تأثیرگذار بوده‌اند (Frondel, et.al, 2020).

نوآوری پژوهش حاضر نسبت به همۀ پژوهش‌های مطرح‌شده در این قسمت، از این منظر است که در مطالعۀ حاضر، شاخص همسویی مطرح شده و یک بازی میان ایران و آمریکا طراحی شده است که کار جدیدی است و در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین انجام نشده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در پی نظم‌سازی در عرصۀ بین‌المللی بوده و دراین‌راستا در عرصۀ سیاسی، سازمان‌ها و نهادهایی را ایجاد کرد، در عرصۀ امنیتی ناتو را تأسیس کرد، و در عرصۀ اقتصادی نیز نهادهایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و سپس، سازمان تجارت جهانی را بنیان نهاد و این روند تا امروز تداوم داشته است. ابرقدرت، به کشوری گفته می‌شود که در عرصۀ روابط بین‌الملل، دارای موقعیت ممتازی باشد و توانایی انجام طرح‌هایی با قدرت بالا و اثرگذار را در هر نقطه از جهان (حتی گاهی به‌طور هم‌زمان در چندین منطقه از جهان) داشته باشد و همچنین، قادر به ایجاد نوعی هژمونی در جهان باشد. پس از جنگ سرد، کارشناسان سیاسی بر این نظر بوده‌اند که ایالات متحده آمریکا با توجه به فروپاشی شوروی و برتری نظامی، اقتصادی، و علمی این کشور، ابرقدرت جهان است. ایالات متحده در تمام زمینه‌ها، مانند حوزۀ نظامی، اقتصادی، صنعتی، علمی، فضایی، غذایی، سلامت، آموزش، و ورزش، با اختلاف بر بقیه کشورهای جهان برتری دارد. اما این کشور، رقیبان قدرتمند و جدی‌ای نیز در عرصه‌های گوناگون دارد؛ رقیبان قدرتمندی مانند روسیه، چین، اتحادیه اروپا، و ژاپن که در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، و علمی می‌توانند برای آمریکا

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مشکل‌ساز باشند و ابرقدرتی این کشور را به‌چالش بکشند. اما کارشناسان بر این نظرند که هریک از این رقیبان، تنها در برخی از حوزه‌ها می‌تواند با آمریکا رقابت کند؛ به‌عنوان نمونه، روسیه، تنها در عرصهٔ نظامی می‌تواند با آمریکا رقابت کند یا چین، در عرصهٔ اقتصادی رقیب آمریکاست، ولی درمجموع، اکنون هیچ کشوری، به‌گونه‌ای مستقل و به‌تنهایی نمی‌تواند در تمام مؤلفه‌ها با ایالات متحده رقابت کند. البته نظرهای متفاوتی نیز در جهان به‌گوش می‌رسد که به افول هژمونی آمریکا اشاره دارند و غروب این ابرقدرت را فریاد می‌زنند؛ به‌عنوان مثال، نشریهٔ معتبر «فارن افرز[۶]» اخیراً پروندهٔ ویژه‌ای را با موضوع پایان هژمونی آمریکا در جهان منتشر کرده و با انتشار یادداشت‌هایی، ازجمله به‌قلم فرید زکریا، تحلیلگر و نظریه‌پرداز آمریکایی، ریشه‌های این رخداد را بررسی، و این پرونده را با عنوان «چه بر سر قرن آمریکایی آمد؟»، منتشر کرده است. در این پرونده آمده است: «اکنون که نگاه می‌کنیم، افول آمریکا گریزناپذیر به‌نظر می‌رسد. آنچه اکنون به‌ظاهر نیاز به توضیح دارد، رؤیای هژمونی ماندگار آمریکا در پایان قرن پیش بود، نه درگیری‌های دائمی در داخل و خارج از کشور که اکنون به واقعیتی جاری تبدیل شده است. فرید زکریا در یادداشتی با عنوان «نابودی قدرت آمریکا به‌دست خود»، اوج دوران هژمونی آمریکا را به‌فاصلهٔ زمانی میان ریزش دیوار برلین تا سقوط بغداد در حملهٔ آمریکا به عراق در سال 2003 محدود کرده و نوشته است که این هژمونی پس‌ازاین دوره، همواره درحال تضعیف شدن بوده است.

اما حقیقت این است که برخلاف انتظار بسیاری از تحلیلگران، چه در ایران و چه در نقاط دیگر جهان، دوران جدید (به‌قدرت رسیدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا) نه‌تنها افول هژمونی آمریکا را تسریع نکرده است، بلکه برعکس، قدرت عریان این کشور را بیش‌ازپیش به رخ مخالفانش کشیده است؛ برای نمونه، از اردیبهشت 1396 به‌این‌سو و پس از خروج ایران از برجام، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران، وضع کرده است. همین یک مسئله و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران و جامعهٔ بین‌الملل، نشان‌دهندهٔ این است که در دوران افول هژمونی ایالات متحده به‌سر نمی‌بریم. دراین‌راستا باید یادآوری کنیم که قدرت‌های بزرگ اروپایی، هرچند با بسیاری از خواسته‌های آمریکا در زمینهٔ سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران موافق بوده و هستند، اما با راهبرد این کشور در خروج از برجام موافق نبوده‌اند؛ ازاین‌رو، برنامه‌ها و قول‌های متفاوتی را برای ماندن ایران در برجام (مانند پیشنهاد صندوق مشترک اینستکس) مطرح کردند؛ اما درعمل، نه‌تنها در برآورده کردن آن‌ها کم‌ترین موفقیتی نداشته‌اند، بلکه به‌مرور و به‌گونه‌ای فزاینده به‌سوی پذیرش راهبرد آمریکایی‌ها در این پرونده گرایش یافته‌اند. هدف از اعمال تحریم‌ها، ایجاد شرایطی سخت است؛ به‌بیان روشن‌تر،

---

۶ . Foreign Affairs یک نشریهٔ دوهفتگی آمریکایی است که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد این نشریه چاپ شورای روابط خارجی آمریکاست و توسط بسیاری، معتبرترین نشریه در حوزهٔ علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است.

ایجاد درد و ناکامی، به‌گونه‌ای که کشور هدف تحریم، رفتار خود را تغییر دهد. اقدام‌های محدودکنندهٔ تجارت که به‌گونه‌ای تبعیض‌آمیز علیه کشورهای خاصی به‌کار می‌روند، به‌طور معمول، دلایل غیراقتصادی دارند. آنچه در واژگان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل به‌عنوان تحریم اقتصادی یا تحریم تجاری شناخته می‌شود، همان اقدام‌های تبعیض‌آمیز محدودکنندهٔ تجارت به دلایل غیراقتصادی است. تحریم‌های تجاری، به شکل‌های گوناگونی اعمال می‌شوند که ازجمله ممنوعیت کامل یا جزئی صادرات و واردات، محدودیت حمل‌ونقل هوایی یا دریایی، ممنوعیت معاملات مالی، و مسدود کردن دارایی‌های کشور تحریم‌شده در محدودهٔ سرزمینی دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده را دربر می‌گیرد. تحریم‌ها ممکن است با اهداف گوناگونی وضع شوند؛ گاهی برای تغییر رفتار، گاهی برای محدود کردن امکانات یک کشور، و گاهی نیز به‌عنوان یک اقدام در مقابل سرپیچی یک کشور از قاعده‌ها و هنجارهای بین‌المللی. به‌هرروی، تحریم‌ها درواقع، هزینه‌ای هستند که به یک کشور تحمیل می‌شود و به‌گونه‌ای ضمنی، وسیلهٔ ابراز خصومت در برابر کشوری است که نه از طریق ابزار نظامی، بلکه به‌گونه‌ای هوشمندانه، بخش ضعیف یک کشور را هدف می‌گیرد.

۱-۲. شاخص همسویی

شاخص همسویی، ابزاری برای بیان دیدگاه آمریکا دربارهٔ هریک از کشورهای منتخب و چگونگی رفتار آمریکا با این کشورها در آینده به‌شمار می‌آید که عبارت است از: یک میانگین موزون از چندین شاخص گوناگون که هریک نشان‌دهندهٔ یکی از جنبه‌های روابط دوجانبهٔ آمریکا و آن کشور منتخب است. البته بعضی از این شاخص‌ها نسبت به شاخص‌های دیگر اهمیت بیشتری دارند؛ ازاین‌رو، برای تعیین شاخص همسویی، ابتدا اهمیت هریک از این شاخص‌ها را بیان می‌کنیم و در ادامه، آن‌ها را استاندارد کرده و برپایهٔ اهمیت آن‌ها، از وزن بیشتری برای آن استفاده می‌کنیم.

تحریم‌ها، کلیدی‌ترین و مهم‌ترین شاخص نشان‌دهندهٔ نوع روابط آمریکا با کشورهای دیگر هستند؛ بنابراین، در تعیین شاخص همسویی، از وزن بیشتری برخوردارند. سه کشور لیبی، ونزوئلا، و ایران، مورد سخت‌ترین تحریم‌های آمریکا هستند. از میان کشورهای منتخب، روسیه و عراق، تحریم شده‌اند که وضعیت تحریمی روسیه، بدتر از عراق بوده و در اولویت نخست است و پس‌ازآن، عراق قرار می‌گیرد و کشورهای دیگر در رتبهٔ بعدی هستند. پایگاه نظامی، قراردادهای امنیتی، و فروش سلاح، دومین شاخص مهمی است که نشان‌دهندهٔ میزان روابط آمریکا با کشورهای دیگر است و در شاخص همسویی، از وزن بیشتر از متوسط برخوردار است. سه کشور لیبی، ونزوئلا، و ایران، هیچ‌یک قرارداد نظامی‌ای با آمریکا ندارند و میزبان پایگاه‌های آمریکایی نیستند. همچنین، به‌لحاظ قراردادهای فروش سلاح، قراردادی با آمریکا ندارند. از میان کشورهای منتخب، روسیه نیز چنین وضعیتی داشته و در اولویت قرار می‌گیرد. تغییرات

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ایجادشده در صادرات نفت (در دههٔ اخیر) را می‌توان به‌عنوان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفتی و دسترسی به فناوری یا پیشرفت فناوری در صنعت نفت درنظر گرفت. سه کشور لیبی، ونزوئلا، و ایران، باوجود برخورداری از ذخایر فراوان نفتی، به‌دلیل تحریم‌ها و نبود فناوری، به‌مرور سهم خود را در بازار نفت از دست داده‌اند. کشورهای نروژ، نیجریه، و مکزیک نیز در طول ده سال گذشته، به‌دلیل فرسودگی چاه‌ها با کاهش تولید و کاهش سهم بازار خود روبه‌رو بوده‌اند؛ اما میزان صادرات نفت در سال 2009 نشان‌دهندهٔ میزان تأثیرگذاری کشورها بر بازار جهانی نفت است؛ زیرا، در این سال، هیچ‌یک از سه کشور ایران، لیبی، و ونزوئلا زیر تیغ تحریم‌های سنگین نبوده‌اند و همچنین، خبری از نفت شیل آمریکا و کانادا نبوده و ازاین‌رو، به‌عنوان یک شاخص در تعیین سهم اولیهٔ بازار کشورها، اهمیت زیادی دارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چهارمین شاخص مهم نشان‌دهندهٔ میزان روابط آمریکا با کشورهای دیگر است که در شاخص همسویی، وزنی کمتر از متوسط دارد. هیچ‌یک از سه کشور لیبی، ونزوئلا، و ایران، از میزان تجمعی خاصی در سال 2019 برخوردار نبوده‌اند (کشور ونزوئلا در سال 2018 و پیش از تحریم‌های آمریکا از این سرمایه‌گذاری‌ها استفاده می‌کرد، ولی پس از تحریم‌ها، این نوع سرمایه‌گذاری به‌شدت کاهش یافت). از میان کشورهای منتخب، کویت، عراق، و نیجریه در بدترین وضع بوده‌اند.

حجم مبادلات اقتصادی، پنجمین شاخص مهم نشان‌دهندهٔ میزان روابط آمریکا با کشورهای دیگر است که در شاخص همسویی، وزنی کمتر از متوسط دارد. سه کشور لیبی، ونزوئلا، و ایران، هیچ‌یک مبادلات اقتصادی خاصی با آمریکا نداشته‌اند.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی (شاخص حکمرانی) آخرین شاخص مهمی است که به نوع حکمرانی مربوط می‌شود. این شاخص که به‌گونه‌ای غیرمستقیم با بررسی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آید، نشان‌دهندهٔ نوع حکمرانی یک کشور است. تحمیل فشار بر کشورهای دموکراتیک بسیار دشوار و هزینه‌بر است و کشورهای غیردموکراتیک نیز برای بقای بیشتر با آمریکا همراهی می‌کنند.

با دانستن وزن هریک از شاخص‌ها، می‌توان یک شاخص موزون را تعیین کرد که به‌گونه‌ای هم‌زمان، نشان‌دهندهٔ همهٔ ویژگی‌های شاخص‌های یادشده باشد. دراین‌راستا، برای تعیین این شاخص از فرمول زیر استفاده می‌شود. البته تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند، تعیین وزن برای هریک از شاخص‌های بالاست؛ به‌گونه‌ای که اولاً سه کشور لیبی، ایران، و ونزوئلا در بدترین وضعیت باشند.

$$\bar{x} = \frac{\sum w_i x_i}{\sum w_i} (1)$$

$\bar{x}$: میزان شاخص موزون

x_i: میزان شاخص i ام، w_i: وزن شاخص iام

۲-۲. بررسی بازی نفتی ایران و آمریکا

تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا، یک بازی پویا با اطلاعات کامل است؛ زیرا، این دو کشور به‌گونه‌ای متوالی و متناسب با تصمیم طرف مقابل تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر بازیکن باید پس از انتخاب بازیکن مقابل، انتخاب خود را انجام دهد. این بازی از نوع کامل است؛ زیرا، دستاوردهای انتخاب هریک از ترکیب‌های راهبردی برای بازیکنان، به‌صورت اطلاعات عمومی بوده و همه از آن اطلاع دارند. این بازی از نوع کامل است؛ زیرا، پیشینهٔ بازی که عبارتست از انتخاب‌های بازیکنان پیش از بازیکن موردنظر، معلوم است. یعنی در هر مرحله از بازی، بازیکنی که نوبت حرکت او رسیده است، دقیقاً می‌داند که در کدام گره تصمیم‌گیری قرار دارد. درواقع، در این حالت هر بازیکن تمام موارد پیشین انتخاب‌شده توسط بازیکنان قبلی را می‌داند. بازی، این‌گونه شروع می‌شود. درصورتی‌که آمریکا با افزایش تولید نفت روبه‌رو شود، باید در برابر ایران دست به انتخاب بزند و به‌این‌ترتیب، می‌توان شکل بسط‌یافتهٔ بازی را نشان داد. ایران و آمریکا، دو بازیگر اصلی این بازی هستند؛ اما تولیدکنندگان دیگر (کشورهای منتخب) و واردکنندگان اصلی (چین، هند، و کره جنوبی) نیز در این بازی نقش‌هایی دارند که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

• انتخاب‌های آمریکا: پذیرش سهم بازار ایران_تحریم‌های اولیه و ثانویه_پیشنهاد و پذیرش انجام مذاکره_حملهٔ محدود_جنگ تمام‌عیار_توافق طرفین؛

انتخاب‌های ایران: تسلیم و حذف از بازار_تقابل_پیشنهاد مذاکره_پذیرش انجام مذاکره_دور زدن تحریم‌ها_توافق طرفین؛

انتخاب‌های بازیکنان دیگر چندان مهم نیست؛ زیرا:

الف) واردکنندگان نفت ایران، به‌دلیل ترس از تحریم‌های آمریکا (تحریم‌های ثانویه) درعمل، خرید نفت ایران را قطع کردند و انتخاب دیگری برای آن‌ها باقی نمی‌ماند (انتخاب‌های دیگر آن‌ها می‌توانست افزایش خرید و ثابت نگه داشتن میزان آن باشد)؛

ب) صادرکنندگان دیگر نفت نیز به‌منظور حفظ منافع خود (روسیه و عراق)، یا به‌سبب مطیع بودن، یا خصومت با ایران (امارات و عربستان) درعمل، کمبود نفت بازار را جبران کردند و مانع تغییرات شدید قیمت شدند و این اقدام به‌نوعی گرفتن برگ برنده از ایران در مقابل آمریکا بود (انتخاب‌های دیگر آن‌ها می‌توانست افزایش تولید و ثابت نگه داشتن میزان آن باشد)؛

در این پژوهش، به‌منظور دستیابی به اهداف موردنظر که دربردارندهٔ دو بخش است، از دو روش متفاوت و جداگانه استفاده شده است. روش نخست، مربوط به تعیین شاخص همسویی است (که نشان‌دهندهٔ اولویت حذف کشورهای غیرهمسو از دیدگاه آمریکاست) که یک روش تعیین میانگین موزون را بیان می‌کند و در روش دوم که مربوط تعیین راهبرد بهینهٔ ایران در جنگ نفتی بین ایران و آمریکاست، از نظریهٔ بازی‌های پویا استفاده شده است.

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۳. الگوی پژوهش

در ادامه مهم‌ترین شاخص‌های به‌کاررفته برای ترسیم الگوی پژوهش بررسی شده است.

۳-۱. شاخص همسویی

برای استفاده از شاخص‌هایی که در بخش مبانی نظری به‌منظور تعیین شاخص همسویی مطرح شد، باید آن‌ها را ارزش‌گذاری کنیم؛ دراین‌راستا، لازم است که به چند نکته توجه داشته باشیم؛ نخست اینکه شاخص‌ها را به‌گونه‌ای ارزش‌گذاری کنیم که در دامنهٔ ‎-5 تا ‎+5 قرار گیرند. دوم اینکه، آن‌ها را به‌گونه‌ای ارزش‌گذاری کنیم که اختلاف عددی‌شان واقعاً نشان‌دهندهٔ میزان اختلاف آن‌ها در واقعیت باشد و این اختلاف تنها جنبهٔ کیفی نداشته باشد. برای اینکه بتوانیم این دو هدف را برآورده کنیم، شاخص‌های اعداد را به‌صورت استاندارد درمی‌آوریم (دو روش برای استاندارد کردن وجود دارد؛ روش نخست اینکه هریک از اعداد شاخص را منهای میانگین و سپس، تقسیم بر انحراف معیار می‌کنیم؛ و روش دوم اینکه اعداد شاخص را منهای مینیمم کرده و حاصل را تقسیم بر تفاضل ماکسیمم و مینیمم می‌کنیم)، سپس، مقادیر استاندارد را در بازهٔ ‎-5 تا ‎+5 قرار می‌دهیم.

۳-۱-۱. تحریم‌ها و محدودیت‌ها

از میان کشورهای منتخب، پنج کشور ایران، لیبی، ونزوئلا، روسیه، و عراق، همگی تحریم شده‌اند، اما ازاین‌میان، وضعیت ایران و ونزوئلا در حوزهٔ تحریم‌های نفتی از همه بدتر است. پس‌ازآن کشور لیبی و سپس، روسیه و عراق قرار می‌گیرند. کشورهای دیگر مشمول تحریم نیستند، اما در دسترسی به فناوری و سرمایه در شرایط متفاوتی قرار دارند و ارزش‌گذاری متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. نتایج این فرایند در جدول شمارهٔ (1) ارائه شده است.

جدول شمارهٔ (۱). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب بر پایهٔ تحریم‌ها

کشور منتخب بر پایهٔ رتبه	وضعیت تحریمی	ارزش‌گذاری	توضیحات
ونزوئلا	تحریم	-۵/۰	تحریم‌های نفتی مالی از سوی آمریکا و اروپا درعمل، صادرات نفت را صفر کرده است.
ایران	تحریم	-۴/۵	تحریم‌های نفتی و مالی یکجانبه از سوی آمریکا درعمل، صادرات نفت را صفر کرده است.
لیبی	تحریم	-۴/۰	تحریم‌های جامعهٔ جهانی و فقدان دولت مرکزی، ولی تولید و صادرات نفت دارد.
روسیه	تحریم	-۲/۰	تحریم‌های مالی و نفتی آمریکا و اروپا، بر سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری تأثیر گذاشته است.
عراق	تحریم	-۰/۵	تحریم‌ها اثر ناچیزی دارند، ولی مشکلات امنیتی بر سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده است.
نیجریه	--	۱/۰	سرمایه‌گذاری و دسترسی به فناوری پایین است.
برزیل	--	۳/۰	مشکلات زیست‌محیطی و فساد داخلی، بر سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده است.

کویت	--	۴/۰	تحریم نیستند، ولی به تمام فناوری‌های روز دنیا دسترسی ندارند.
عربستان	--	۴/۰	
امارات	--	۴/۰	
نروژ	--	۴/۵	به فناوری اروپا و آمریکا دسترسی دارد.
مکزیک	--	۴/۸	به‌دلیل نوع نفت و همسایگی با آمریکا، بیشتر موردتوجه است.
کانادا	--	۵/۰	تنها کشوری است که از فناوری نفت شیل آمریکا بهره‌مند است.

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۱-۳. قرارداد نظامی-امنیتی و قرارداد فروش سلاح

از میان کشورهای منتخب، کانادا و نروژ، عضو پیمان آتلانتیک شمالی بوده و در بالاترین سطح قراردادهای نظامی-امنیتی قرار دارند و ایران، لیبی، و ونزوئلا در پایین‌ترین سطح هستند؛ به‌گونه‌ای که هرسه، تحت تحریم‌های تسلیحاتی قرار دارند. کشورهای دیگر، در میانهٔ این طیف واقع شده‌اند. ارزش‌گذاری این کشورها در جدول شمارهٔ (2) ارائه شده است.

جدول شمارهٔ (۲). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب برپایهٔ قرارداد نظامی

کشور منتخب برپایهٔ رتبه	قرارداد با آمریکا	ارزش‌گذاری	توضیحات
لیبی	--	-۵/۰	فقدان حکومت مرکزی و تحریم تسلیحاتی
ایران	--	-۴/۵	تحریم‌تسلیحاتی
ونزوئلا	--	-۴/۰	تحریم‌تسلیحاتی
روسیه	--	-۲/۵	اگرچه دارای قدرت نظامی است، اما ناتو برای قدرت‌گیری آن به‌وجود آمده است.
نیجریه	ندارد	۱/۰	پایگاه هواپیماهای بدون‌سرنشین آمریکاست.
مکزیک	دارد	۱/۵	قرارداد امنیتی و اطلاعاتی با آمریکا دارد.
عراق	ندارد	۲/۰	پایگاه نظامی و نیروی نظامی
برزیل	دارد	۳/۰	توافق‌نامهٔ نظامی
عربستان	دارد	۳/۵	قرارداد تسلیحاتی و امنیتی و پایگاه زمینی، دریایی، هوایی، و نیروی نظامی
امارات	دارد	۳/۸	قرارداد نظامی و امنیتی و پایگاه هوایی و دریایی و نیروی نظامی
کویت	دارد	۴/۰	قرارداد دفاعی و امنیتی و پایگاه هوایی و زمینی و نیروی نظامی
نروژ	دارد	۴/۵	پیمان ناتو
کانادا	دارد	۵/۰	پیمان ناتو و قراردادهای امنیتی و اطلاعاتی

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در میان کشورهای منتخب، کانادا، بهترین وضعیت را در زمینهٔ سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا دارد و ایران، کویت، و لیبی، کمترین سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا را جذب کرده‌اند و کشورهای دیگر نیز در میانهٔ این طیف قرار دارند. ارزش‌گذاری این کشورها در جدول شمارهٔ (3) ارائه شده است.

جدول شمارهٔ (۳). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب بر پایهٔ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

کشور منتخب براساس رتبه	میزان تجمعی	ارزش‌گذاری
ایران	۰/۰۰	-۵/۰۰
لیبی	۱/۱۰	-۴/۹۷
ونزوئلا	۲/۲۰	-۴/۹۵
کویت	۰/۳۰	-۴/۹۹
عراق	۲/۲۰	-۴/۹۵
نیجریه	۵/۵۰	-۴/۸۶
عربستان	۱۰/۸	-۴/۷۳
روسیه	۱۴/۴	-۴/۶۴
امارات	۱۷/۲	-۴/۵۷
نروژ	۲۵/۶	-۴/۳۶
برزیل	۸۱/۷	-۲/۹۷
مکزیک	۱۰۰/۹	-۲/۴۹
کانادا	۴۰۲/۳	۵/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱-۳. نوع حکمرانی

این شاخص، دربردارندهٔ دو بخش است و ترکیبی از نوع حکمرانی و نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی را دربر می‌گیرد و هنگام ارزش‌گذاری، کشورهای غیردموکراتیک (پادشاهی مطلقه) را نیز به‌صورت مثبت و کشورهایی که وضعیت دموکراسی در آن‌ها متوسط است را به‌صورت منفی ارزش‌گذاری می‌کنیم (به‌بیان روشن‌تر، از مقادیر منفی، قدر مطلق می‌گیریم و سپس، بازه را از -5 تا +5 گسترش می‌دهیم). براین‌اساس، نروژ، کانادا، امارات، کویت، و عربستان در بالاترین رتبه و روسیه، ایران، و ونزوئلا در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند. کشورهای دیگر در میانهٔ این طیف جای دارند. ارزش‌گذاری این کشورها در جدول شمارهٔ (4) ارائه شده است.

جدول شمارۀ (۴). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب بر پایۀ نوع حکمرانی

کشور منتخب بر پایۀ رتبه	نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی	نوع حکومت	شخص اول کشور	پیش از تغییر	ارزش‌گذاری
ایران	۸/۰۱	جمهوری	رهبری مطلقه	-۲/۵	۰/۰
ونزوئلا	۱۵/۰	جمهوری	رئیس‌جمهور	-۱/۵	-۲/۰
لیبی	۱/۱۰	فقدان حکومت مرکزی	فقدان حکومت مرکزی	۰/۰	-۵/۰
عربستان	۸/۹۳	پادشاهی مطلقه	پادشاه	-۵/۰	۵/۰
کانادا	۱۲/۹	پارلمانی	نخست‌وزیر	۵/۰	۵/۰
کویت	۱/۷۸	پادشاهی مطلقه	پادشاه	-۴/۸	۴/۶
نروژ	۲۳/۹	پادشاهی مشروطه	نخست‌وزیر	۴/۸	۴/۶
امارات	۰/۰۶	پادشاهی مطلقه	پادشاه	-۴/۷	۴/۴
مکزیک	۱۳/۱	جمهوری	رئیس‌جمهور	۳/۵	۲/۰
برزیل	۱۴/۲	جمهوری	رئیس‌جمهور	۳/۰	۱/۰
عراق	۲/۲۱	پارلمانی	نخست‌وزیر	۲/۵	۰/۰
روسیه	۱۱/۵	جمهوری	رئیس‌جمهور	-۲/۰	-۱/۰
نیجریه	۴/۶۳	جمهوری	رئیس‌جمهور	۲/۰	-۱/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۱-۳. مبادلات تجاری

در میان کشورهای منتخب، مکزیک و کانادا، بهترین وضعیت را در حوزۀ صادرات به آمریکا دارند و کشورهای دیگر، در میانۀ این طیف قرار می‌گیرند. ارزش‌گذاری این کشورها در جدول شمارۀ (5) ارائه شده است.

جدول شمارۀ (۵). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب بر پایۀ مبادلات تجاری

کشور منتخب بر پایۀ رتبه	میزان صادرات	میزان کل مبادلات	ارزش‌گذاری
ایران	۰/۰۰۱	۰/۰۷	-۰/۱۰
لیبی	۱/۵۷	۱/۹۸	-۰/۹۸
ونزوئلا	۲/۰۲	۳/۲۹	-۰/۹۷
کویت	۱/۴۵	۴/۶۲	-۰/۹۶
امارات	۴/۵۷	۲۴/۶۱	-۰/۹۳
نیجریه	۴/۷۶	۷/۹۴	-۰/۹۲
نروژ	۶/۸۰	۱۰/۶۸	-۰/۸۹

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

عراق	۷٫۲۴	۸٫۵۲	-۰/۸۸
عربستان	۱۳٫۸۷	۲۸٫۱۶	-۰/۷۷
روسیه	۲۳٫۱۹	۲۸٫۹۸	-۰/۶۲
برزیل	۳۲٫۰۸	۷۵٫۱۶	-۰/۴۷
کانادا	۳۲۶٫۶۳	۶۱۸٫۹۷	۴/۴۰
مکزیک	۳۶۱٫۳۲	۶۱۷٫۶۹	۵/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۱-۳. تغییرات صادرات نفت

در طول ده سال گذشته، در میان کشورهای منتخب، کانادا به‌دلیل داشتن فناوری نفت شیل و عراق به‌سبب سرمایه‌گذاری و فناوری در حفاری شرکت‌های آمریکایی، بیشترین افزایش تولید نفت، و ایران و ونزوئلا با تأثیرپذیری از تحریم‌های آمریکا، بیشترین کاهش را داشته‌اند و کشورهای دیگر در میانهٔ این طیف قرار دارند. ارزش‌گذاری این کشورها در جدول شمارهٔ (6) ارائه شده است.

جدول شمارهٔ (۶). ارزش‌گذاری کشورهای منتخب بر پایهٔ تغییرات صادرات نفت

کشور منتخب بر پایهٔ رتبه	تغییرات صادرات	ارزش‌گذاری	توضیحات
ایران	کاهش شدید	-۴/۵	به‌دلیل تحریم‌های نفتی، مالی، دریایی، و تحریم‌های ثانویهٔ آمریکا
ونزوئلا	کاهش شدید	-۳/۰	به‌دلیل تحریم‌های نفتی و مالی آمریکا و اتحادیهٔ اروپا
لیبی	کاهش	-۱/۸	به‌دلیل جنگ داخلی و تحریم سازمان ملل
نروژ	کاهش	-۱/۴	به‌دلیل سیاست‌های ملی
نیجریه	کاهش	-۰/۷	به‌دلیل پایان عمر چاه‌ها و عدم سرمایه‌گذاری
مکزیک	کاهش	-۰/۵	به‌دلیل پایان عمر چاه‌ها و عدم سرمایه‌گذاری
روسیه	افزایش	۰/۹	به‌دلیل وجود چاه‌های نفت در شمال سیبری
امارات	افزایش	۱/۱	به‌دلیل وجود تحریم ایران و ونزوئلا و داشتن ظرفیت مازاد
کویت	افزایش	۱/۴	به‌دلیل وجود تحریم ایران و ونزوئلا و داشتن ظرفیت مازاد
عربستان	افزایش	۱/۷	به‌دلیل وجود تحریم ایران و ونزوئلا و داشتن ظرفیت مازاد
برزیل	افزایش	۱/۸	به‌دلیل توسعه در جنگل های آمازون
عراق	افزایش شدید	۴/۸	به‌دلیل افزایش سرمایه‌گذاری و فناوری روز (قراردادهای نفتی با آمریکا)
کانادا	افزایش شدید	۵/۰	به‌دلیل داشتن فناوری sand oil

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری نیز بیان شد، برای تعیین شاخص همسویی، افزون‌بر ارزش‌گذاری شاخص‌ها به‌گونه‌ای استاندارد، به تعیین وزن هریک از این شاخص‌ها نیز نیاز داریم و باید به اهمیت هریک از شاخص‌ها توجه کنیم؛ ازاین‌رو، لازم است که نخست، اولویت هریک از شاخص‌ها را مشخص کنیم. تحریم‌ها در جایگاه نخست، قرارداد امنیتی و قرارداد تسلیحاتی در جایگاه دوم، تغییر در صادرات نفت در اولویت سوم، تجمیع سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در اولویت چهارم، میزان صادرات به آمریکا در جایگاه پنجم، و در پایان نیز نوع حکمرانی کشور قرار دارد. برای سه اولویت نخست، وزنی بالاتر از متوسط را درنظر می‌گیریم و سه اولویت بعدی، وزنی کمتر از متوسط را به خود اختصاص می‌دهند. اکنون با استفاده از فرمول زیر، میزان شاخص همسویی را برای هریک از کشورها تعیین می‌کنیم.

$$\bar{x} = \frac{\sum w_i x_i}{\sum w_i}$$

$\bar{x}$: میزان شاخص موزون، x_i: میزان شاخص i ام، w_i: وزن شاخص iام

میزان شاخص همسویی را با استفاده از روش بالا تعیین می‌کنیم. عدد 5، به‌معنای همسویی کامل با آمریکا و عدد 5- نشان‌دهندهٔ عدم همسویی با آمریکاست.

جدول شمارهٔ (۷). تعیین شاخص همسویی

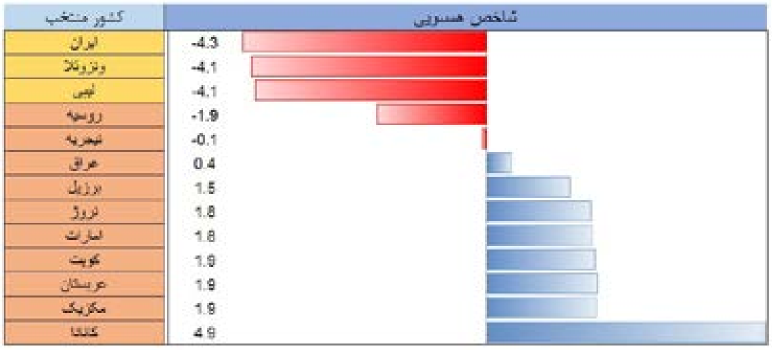
کشور منتخب	میزان ارزش‌گذاری‌شده در بازه (۵- , ۵+)						میزان شاخص همسویی
	تحریم	قرارداد نظامی	تغییر صادرات نفت	FDI آمریکا	صادرات به آمریکا	نوع حکمرانی	
ایران	-۴/۵	-۴/۵	-۴/۵	-۵/۰	-۵/۰	۰/۰	-۴٫۳
ونزوئلا	-۵/۰	-۴/۰	-۳/۰	-۴/۹	-۴/۹	-۲/۰	-۴٫۱
لیبی	-۴/۰	-۵/۰	-۱/۸	-۵/۰	-۵/۰	-۵/۰	-۴٫۱
روسیه	-۲/۰	-۲/۵	۰/۹	-۴/۶	-۴/۴	-۱/۰	-۱٫۹
نیجریه	۲٫۵	۱/۰	-۰/۷	-۴/۹	-۴/۹	-۱/۰	-۰٫۱
عراق	-۰/۵	۲/۰	۴/۸	-۴/۹	-۴/۸	۰/۰	۰٫۴
برزیل	۳٫۰	۳/۰	۱/۸	-۳/۰	-۴/۱	۱/۰	۱٫۵
نروژ	۴/۸	۴/۵	-۱/۴	-۴/۴	-۴/۸	۵/۰	۱٫۸
امارات	۴/۰	۳/۸	۱/۱	-۴/۶	-۴/۹	۴/۴	۱٫۸
کویت	۴/۰	۴/۰	۱/۴	-۵/۰	-۵/۰	۴/۶	۱٫۹
عربستان	۴/۰	۳/۵	۱/۸	-۴/۷	-۴/۶	۵/۰	۱٫۹
مکزیک	۴/۵	۱/۵	-۰/۵	-۲/۵	۵/۰	۲/۰	۱٫۹
کانادا	۵/۰	۵/۰	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۴/۶	۴٫۹
وزن تخصیص‌یافته	۳۰	۲۵	۲۰	۱۰	۸	۷	

منبع: یافته‌های پژوهش

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

میزان شاخص همسویی در نمودار شمارۀ (1) مشخص شده است.

نمودار شمارۀ (۱). نمودار شاخص همسویی



منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۳. بازی ایران و آمریکا

این بازی بیشتر منحصر به جنبه‌های اقتصادی و سیاسی بازار نفت است؛ بنابراین، لازم است آن را به گونه‌ای جدا از پروندۀ هسته‌ای بررسی کنیم؛ به‌عنوان مثال، منظور از حملۀ محدود آمریکا، حملۀ محدود به زیرساخت‌های نفتی است نه زیرساخت‌های هسته‌ای که در ادامه، آن را به گونه‌ای گسترده‌تر واکاوی کرده‌ایم.

۱-۲-۳. عناصر بازی

در شرایط کنونی، آمریکا، شروع کنندۀ بازی است. برای آمریکا چهار انتخاب وجود دارد:

1. پذیرش سهم کامل ایران از بازار جهانی نفت خام؛
2. اعمال تحریم‌های اقتصادی، سیاسی، فناوری، و... که تحریم‌های اولیه و ثانویه را دربر می گیرد؛
3. حملۀ محدود به زیرساخت‌های نفتی که حملات نظامی، سایبری، و عملیات خرابکارانه را دربر می گیرد؛
4. پیشنهاد مذاکره که می‌تواند به گونه‌ای پنهان نیز انجام شود و موضوع آن، مذاکره بر سر سهم بازار نفت ایران باشد.

گروه‌های تصمیم‌گیری آمریکا عبارتند از: U2 تا U10 که نشان‌دهندۀ مرحله و نوبت تصمیم گیری آمریکاست.

گروه‌های تصمیم گیری ایران عبارتند از: IR1 تا IR3 که نشان‌دهندۀ مرحله و نوبت تصمیم گیری ایران است.

البته اگر بازی به مرحلۀ دو، یعنی حالت برگشت‌پذیر، وارد شود، این گروه‌ها برای آمریکا و ایران بسیار افزایش می‌یابد. از هر گره، بسته به اینکه نوبت به کدام بازیگر است و در کجای

درخت بازی هستیم، شاخه‌هایی نشئت می‌گیرد که هر شاخه، نشان‌دهندۀ اقدامی برای بازیکن آن گره است. در هر گره، تصمیم‌گیری هر بازیگر و انتخاب هر شاخه، پیامدهایی را برای هردو بازیگر به‌همراه دارد. اگر این تصمیم‌گیری، سبب کسب منافع یا سودی برای بازیکنان شود، آن را پاداش نامیده و با علامت (+) نشان می‌دهیم، اما اگر این تصمیم‌گیری سبب از دست دادن منافع یا تحمیل هزینه‌هایی شود، آن را جریمه نامیده و با علامت (-) نشان می‌دهیم. پیامد هر تصمیم بازیکنان در پایان شاخه‌ها نشان داده شده است که از سمت راست، اولی به آمریکا و دومی به ایران مربوط می‌شود؛ به‌عنوان مثال، پیامد (3 و −1) در درخت بازی به‌این‌معناست که اگر این مسیر پیموده شود، آمریکا پیامد (3) و ایران پیامد (−1) را به‌دست می‌آورند. با درنظر گرفتن این شرط که هردو بازیکن به‌گونه‌ای عقلایی تصمیم می‌گیرند، در هر گره تصمیم‌گیری، بازیکنی که حق انتخاب دارد، از بین انتخاب‌های موجود، شاخه‌ای را انتخاب می‌کند که نخست، بیشترین پاداش را برای خود کسب کند و دوم، درصورت برابر بودن پاداش دو شاخه، شاخه‌ای را انتخاب می‌کند که کمترین پاداش (یا بیشترین جریمه) را برای بازیکن دیگر داشته باشد. البته نکته‌هایی باقی می‌ماند که در ادامه بررسی شده‌اند.

تصمیم‌های ممکن برای آمریکا، دربردارندۀ طیفی از انتخاب‌هاست که موجب بروز واکنشی از سوی ایران می‌شود. دو حالت حدی آن عبارتند از: پذیرش کامل سهم ایران از بازار نفت در یک سر طیف، و حملۀ تمام‌عیار و نابودی همۀ زیرساخت‌های نفتی در سر دیگر طیف. دراین‌میان، انتخاب‌های دیگری وجود دارند که بخشی از این طیف را نمایندگی می‌کنند و عبارتند از: حملۀ محدود برای کاهش بخشی از تولید، تحریم‌های اقتصادی و مالی به‌منظور کاهش صادرات نفت، پذیرش سهمی از بازار برای ایران با انجام مذاکرات و رسیدن به توافق. البته یک انتخاب دیگر نیز برای آمریکا وجود دارد که به آن، حفظ وضع موجود می‌گوییم و درواقع، پذیرش سهمی از بازار برای ایران است که آمریکا یا در حال حاضر توانایی حذف آن از بازار را ندارد، یا به‌سبب کمبود سمت عرضه و قدرت چانه‌زنی با شرکای دیگر، فعلاً قصد حذف آن را از بازار نفت ندارد. برای ایران نیز تصمیم‌ها دربردارندۀ طیفی از انتخاب‌هاست که دو حالت حدی آن عبارتند از: تسلیم کامل و حذف از بازار نفت بدون هیچ‌گونه مقاومتی در یک سر طیف و تقابل با تمام توان (نظامی، سیاسی، و...) و دفاع از سهم خود، در سر دیگر طیف قرار دارد. البته دراین‌میان، انتخاب‌های دیگری نیز وجود دارند که بخشی از این طیف را نمایندگی می‌کنند و عبارتند از: انجام مذاکرات و رسیدن به توافق برای به‌دست آوردن بخشی از سهم بازار خود یا استفاده از روش‌های گوناگون (دور زدن تحریم‌ها، فروش نفت در بازار خاکستری، دادن تخفیف‌های ویژه، فروش در برابر پول ملی یا کالا، و...) برای حفظ بخشی از سهم بازار که در این پژوهش آن را «صبر راهبردی» نامیده‌ایم. از دیدگاه بازیکنان، انتخاب هر تصمیمی نشان‌دهندۀ ترجیحات آن بازیکن است و ترجیحات، یک متغیر کیفی است؛ بنابراین،

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تنها نسبت به یکدیگر، قابلیت مقایسه‌ای دارند؛ اما اثرات این انتخاب‌ها قابل‌مشاهده بوده و خاصیت کمّی دارند که این اجازه را به ما می‌دهد که افزون‌بر مقایسه، بتوانیم آن‌ها را با هم جمع جبری کرده و پیامدهای چند انتخاب را با یکی از آن‌ها مقایسه کنیم. البته اثرات یک تصمیم می‌تواند بسیار گسترده باشد و جنبه‌های زیادی را دربر گیرد. این جنبه‌ها می‌توانند دربردارندهٔ مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، و... باشد که این موضوع، بحث را بسیار پیچیده و متنوع می‌کند. اما بررسی همهٔ این جنبه‌ها هم ناممکن و هم ناکارآمد است؛ زیرا، در توضیح و حل مسائل، سادگی یک مزیت به‌شمار می‌آید. در این پژوهش، تلاش کرده‌ایم، بیشتر جنبهٔ اقتصادی و سیاسی را درنظر بگیریم و کمتر این موضوع را از جنبه‌های دیگر بررسی کنیم. در این بخش، ابتدا این نکته را واکاوی کرده‌ایم که انتخاب هریک از تصمیم‌ها با کدام‌یک از بازیکنان است و در ادامه به‌گونه‌ای اجمالی، پاداش‌ها و جریمه‌های هریک از بازیکنان را درصورت انتخاب هرکدام از تصمیم‌ها واکاوی کرده و در پایان با جمع‌بندی پاداش‌ها و جریمه‌های هر بازیکن درصورت انتخاب هریک از تصمیم‌ها، پیامد هریک از تصمیم‌ها را برای هرکدام از بازیکنان به‌دست آورده‌ایم.

۲-۲-۳. حملهٔ تمام‌عیار آمریکا

انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا انجام می‌شود و می‌تواند دربردارندهٔ حملهٔ هوایی به چاه‌ها و دکل‌های نفتی، خطوط لوله، اسکله‌های نفتی، و نابودی کامل زیرساخت‌های نفتی ایران باشد. البته این تصمیم می‌تواند تا یک جنگ تمام‌عیار میان ایران و آمریکا نیز ادامه پیدا کند و به‌دلیل قدرت نظامی آمریکا، به نابودی کامل نظام سیاسی و اقتصادی ایران بینجامد.

- پاداش آمریکا

حذف کامل سهم ایران از بازار نفت به‌صورت بلندمدت و جایگزینی آن با نفت شیل و نفت متحدان دیگر آمریکا؛ کنترل بازار انرژی و نشان دادن قدرت نظامی آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت در عرصهٔ جهانی.

- جریمهٔ آمریکا

هزینهٔ بالای نظامی، امنیتی، و انسانی؛ کاهش عرضهٔ نفت و افزایش شدید قیمت نفت؛ افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی؛ اختلال در عرضهٔ نفت کشورهای دیگر خلیج فارس؛ بروز مشکلات سیاسی داخلی در نتیجهٔ جنگ؛ بروز هزینهٔ سیاسی خارجی به‌دلیل یکجانبه‌گرایی؛ درگیر شدن کشورهای هم‌پیمان و متحد آمریکا (اسرائیل، کویت، عربستان، امارات، و بحرین) در جنگ؛

اگرچه می‌توان موارد بیشتری را نام برد، اما درمجموع، این موارد، نشان‌دهندهٔ جریمهٔ بالا و پاداش کمینه برای آمریکاست. این تصمیم را می‌توان بدترین تصمیم آمریکا به‌شمار آورد؛ اما آمریکا می‌تواند با زمینه‌چینی‌های سیاسی و همچنین، ایجاد اجماع بین‌المللی و استفاده از

بهانه‌های مختلف سیاسی، آن را برای خود کاهش دهد؛ هرچند باز هم این تصمیم، نمی‌تواند در آغاز بازی، جزء اولویت‌های آمریکا در برابر ایران باشد (با اینکه در بسیاری از موارد از آن یاد کرده و در برابر برخی کشورها از آن استفاده کرده‌اند)؛ بنابراین، احتمال انتخاب آن در نخستین گره بازی بسیار پایین است، اما در ادامهٔ بازی، احتمال انتخاب این تصمیم افزایش می‌یابد. به‌هرروی، پیامد انتخاب این تصمیم برای آمریکا، منفی است.

• پاداش ایران

هیچ گونه پاداش اقتصادی‌ای برای ایران متصور نیستیم و شاید تنها در زمینهٔ سیاسی بتواند از آن برای ایجاد مشروعیت بین‌المللی در مقابله با اقدامات آمریکا استفاده کند و به‌لحاظ نظامی، آن را بهانه‌ای برای اقدام تلافی‌جویانه علیه آمریکا و کشورهای متحد آن قرار دهد.

• جریمهٔ ایران

آسیب مالی هنگفت به سرمایه‌ها و زیرساخت‌های نفتی؛ صدمه‌های انسانی و احتمال بروز جنگ تمام‌عیار؛ فروپاشی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها؛ قطع صادرات و درآمدهای نفتی؛ اختلال در صادرات و واردات کشور؛ مشکلات امنیتی، اجتماعی، سیاسی، و مشکلات فراوان دیگری که نشان‌دهندهٔ جریمهٔ بسیار بالا و پاداش حداقلی برای ایران است. اگرچه این تصمیم از سوی آمریکا گرفته می‌شود، ولی ایران می‌تواند با انجام اقداماتی، بار جریمهٔ انتخاب آن را برای آمریکا افزایش دهد؛ برای نمونه، ایران می‌تواند در مورد مسائلی که سبب بروز اختلاف با جامعهٔ جهانی شده است، راه تنش‌زدایی و کاهش حساسیت را درپیش گیرد، یا با کاهش مشکلات منطقه‌ای، از دشمنی کشورهای عربی بکاهد و از بروز اجماع علیه خود جلوگیری کند. البته ایران با افزایش و نمایش قدرت نظامی نیز می‌تواند جریمهٔ آمریکا را بالا ببرد؛ اما باید در استفاده از این ابزار، بسیار محتاط باشد؛ زیرا، مانند چاقوی دولبه‌ای است که می‌تواند سبب افزایش تنش و حساسیت بین‌المللی شود. به‌هرروی، انتخاب این تصمیم توسط آمریکا برای ایران یک فاجعه است و پیامدهای منفی‌ای دارد.

۳-۲-۳. حملهٔ محدود آمریکا

این گزینه که از سوی آمریکا انتخاب می‌شود، می‌تواند دربردارندهٔ حملهٔ هوایی، حملات سایبری، و حملهٔ خرابکارانه به صنایع نفتی ایران باشد که بسته به نوع و میزان حملهٔ محدود، می‌تواند به‌گونه‌ای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت، بخشی از تولید نفت ایران را کاهش دهد. این اقدامات می‌تواند به‌گونه‌ای آشکار (پذیرش مسئولیت) یا به‌صورت مخفیانه (عدم پذیرش مسئولیت) انجام شود.

• پاداش آمریکا

حذف بخشی از سهم ایران از بازار نفت، به‌شکل میان‌مدت و جایگزینی آن با نفت شیل و نفت متحدان دیگر؛ نشان دادن اراده و توانایی آمریکا برای تأثیرگذاری بر تولید نفت ایران؛ سلطهٔ بیشتر

بر بازار انرژی و نشان دادن قدرت نظامی‌اش به‌عنوان یک ابرقدرت در عرصهٔ جهانی.
• جریمه آمریکا
افزایش هزینه‌های نظامی و دفاعی به‌دلیل افزایش تنش در منطقه؛ هزینهٔ سیاسی خارجی به‌دلیل اقدامات یکجانبه‌گرایانهٔ آمریکا؛ افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی به‌موجب افزایش احتمال بروز جنگ جدیدی در خاورمیانه و افزایش قیمت نفت؛ افزایش قیمت نفت به‌سبب کاهش عرضهٔ نفت خام (درصورت ناتوانی آمریکا و متحدانش در جبران آن) و اختلال در عرضهٔ نفت به‌موجب افزایش تنش در خلیج فارس.
همچنین، آمریکا می‌تواند با استفادهٔ بیشتر از حملات سایبری یا عملیات خرابکارانه به‌جای حملهٔ محدود نظامی، ضمن کاهش حساسیت‌ها در مورد خودش و عدم پذیرش مسئولیت این‌گونه اقدامات، جریمه را برای خود کاهش دهد. همچنین، می‌تواند با افزایش تولید نفت شیل (یا افزایش تولید متحدانش) افزون‌بر تصاحب سهم بازار نفت ایران و مشتریان نفت این کشور، ریسک‌های سمت عرضه را کاهش دهد و موجب افزایش پاداش خود شود. درمجموع، به‌دلیل عدم وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه و همچنین، توانایی استفاده از حالت‌های متنوع حملهٔ محدود (عدم پذیرش مسئولیت در بیشتر موارد) می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش بیشتری را نسبت به جریمه برای آمریکا در پی دارد. پس این تصمیم برای آمریکا، منافعی دارد و پیامد آن برای این کشور مثبت خواهد بود.
• پاداش ایران
پاداش اقتصادی‌ای برای ایران متصور نیستیم و شاید ایران تنها در زمینهٔ سیاسی بتواند از آن برای ایجاد مشروعیت بین‌المللی در راستای مقابله با اقدامات آمریکا استفاده کند و به‌لحاظ نظامی آن را بهانه‌ای برای اقدام تلافی‌جویانه علیه آمریکا و کشورهای دیگر قرار دهد.
• جریمهٔ ایران
کاهش صادرات و درآمدهای نفتی؛ آسیب مالی و فنی به سرمایه‌ها و زیرساخت‌های نفتی؛ ایجاد نااطمینانی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها؛ مشکلات امنیتی، اجتماعی، و سیاسی.
این‌گونه اقدامات، سبب کاهش قدرت مرکزی در داخل و مخدوش شدن اعتبار سیاسی ایران در خارج می‌شود و حتی احتمال افزایش اقدامات تلافی‌جویانهٔ ایران در خلیج فارس و منطقه و درنتیجه، خطر جنگ تمام‌عیار نظامی را افزایش می‌دهد. افزون‌براین، ایران می‌تواند با کاهش فعالیت‌های تنش‌زا و همچنین، قراردادهای امنیتی با کشورهای همسایه و افزایش تدابیر امنیتی، اطلاعاتی، و دفاعی، هزینهٔ این اقدامات را برای آمریکا افزایش داد. البته افزایش تدابیر امنیتی و دفاعی نباید به‌گونه‌ای باشد که سبب بروز حساسیت‌های داخلی و خارجی شود؛ زیرا، ایجاد این حساسیت‌ها می‌تواند نتیجهٔ عکس داشته باشد و موجب بروز اختلاف‌های داخلی و تنش منطقه‌ای شود که خود، موجب بروز مشکلات جدیدی خواهد شد که افزایش هزینه‌های ایران

را دربر دارد؛ ازاین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا (در هر شرایطی)، جریمهٔ بالا و پاداش کمینه‌ای برای ایران دارد، پس این تصمیم به‌طورکلی برای ایران هزینه‌ساز بوده و پیامد آن برای ایران منفی خواهد بود.

۴-۲-۳. اعمال تحریم‌های آمریکا

آمریکا این گزینه را انتخاب می کند و این تحریم‌ها می‌توانند به‌لحاظ اقتصادی، مالی، و بانکی؛ بیمه و حمل‌ونقل؛ فنی و مهندسی؛ فناوری و قطعات و تجهیزات، صنایع نفتی ایران را دچار مشکل کنند. البته این اقدام می‌تواند بر پایهٔ امکان‌پذیری یا امکان‌ناپذیری اجماع جهانی، با همراهی کشورهای دیگر یا تنها از سوی آمریکا بر ایران تحمیل شود. البته تحریم‌های آمریکا خود از دو نوع اولیه و ثانویه است که می‌تواند بر همکاری کشورهای دیگر با ایران نیز تأثیرگذار باشد. این گونه فشار بر ایران، می‌تواند در دامنهٔ کوتاه‌مدت تا بلندمدت اعمال شود و حتی سایر بخش‌های اقتصادی، و... را نیز دربر گیرد.

به‌طورکلی، تحریم‌ها می‌توانند بخشی از تولید نفت ایران را کاهش دهند. البته این تحریم‌ها بسته به همراهی جامعهٔ بین‌الملل، تنوع آن، پیگیری و قاطعیت آمریکا در اجرا و جریمهٔ تحمیلی آن، و مدت‌زمان اجرای آن، پیامدهای متغیری برای کاهش تولید نفت داشته باشد. به‌بیان روشن‌تر، دور نخست تحریم‌های نفتی ایران که در آغاز انقلاب وضع شدند، با دور جدید تحریم‌ها (دروان فشار حداکثری ترامپ) تفاوت بسیار چشمگیری دارند؛ به گونه‌ای که در دوران فشار حداکثری ترامپ، درعمل، صادرات نفت ایران به صفر رسیده و 94 درصد درآمدهای نفتی حذف شده است.

• پاداش آمریکا

حذف بخش عمده‌ای از سهم ایران از بازار نفت و جایگزینی آن با نفت شیل و نفت متحدان آمریکا؛ نشان دادن اراده و توانایی آمریکا برای تأثیرگذاری بر تولید نفت ایران؛ کسب منافع مالی از تحمیل جرایم نقض تحریم‌ها و بلوکه کردن منابع مالی؛ سلطهٔ بیشتر بر بازار انرژی و نشان دادن قدرت دلار آمریکا، به‌عنوان یک ابرقدرت در عرصهٔ جهانی.

• جریمهٔ آمریکا

تحمل هزینه‌های مالی به‌منظور اجرای درست تحریم‌ها و از دست دادن منافع تجارت با ایران؛ افزایش هزینه‌های نظامی و دفاعی به‌دلیل افزایش تنش در منطقه؛ هزینهٔ سیاسی خارجی به‌سبب اقدامات یکجانبه‌گرایانهٔ آمریکا؛ افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی؛ افزایش قیمت نفت به‌دلیل کاهش عرضهٔ نفت خام (درصورت ناتوانی در جبران آن توسط آمریکا و متحدانش) و اختلال در عرضهٔ نفت به‌دلیل افزایش تنش در خلیج فارس.

همچنین، آمریکا می‌تواند با اجماع جهانی در برابر اقدامات ایران و همراهی کشورهای دیگر، اثرگذاری تحریم‌ها را افزایش و هزینهٔ سیاسی خود را کاهش دهد. افزون‌براین، آمریکا با افزایش

تولید نفت شیل خود (یا افزایش تولید متحدانش) می‌تواند ضمن تصاحب سهم بازار نفت ایران و مشتریانش، ریسک‌های سمت عرضه را کاهش دهد و موجب افزایش پاداش خود شود. به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، افزون‌بر پاداش بالا (به‌دلیل رسیدن به اهداف) جریمهٔ نسبتاً کمی را برای آمریکا در پی دارد (البته در بلندمدت می‌تواند سبب تضعیف سلطهٔ دلار شود)؛ بنابراین، این تصمیم برای آمریکا منافعی دارد و پیامد آن برای این کشور، مثبت خواهد بود.

• پاداش ایران

پاداش اقتصادی‌ای برای ایران متصور نیستیم و شاید تنها در زمینهٔ سیاسی، ایران بتواند از آن برای ایجاد مشروعیت بین‌المللی به‌منظور مقابله با اقدامات آمریکا استفاده کند.

• جریمهٔ ایران

کاهش صادرات نفت و درآمدهای حاصل از فروش نفت؛ عدم دسترسی به منابع مالی و افزایش هزینه‌های تجارت؛ کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و عدم دسترسی به فناوری‌ها؛ ایجاد نااطمینانی در اقتصاد کلان؛ مشکلات امنیتی، اجتماعی، و سیاسی.

اگرچه اعمال تحریم‌ها، تصمیمی از سوی آمریکاست، اما ایران نیز می‌تواند با انجام اقداماتی مانند اتحادهای چندجانبه، معامله با پول ملی، به‌کارگیری روش‌های فروش نفت در برابر کالا؛ فروش نفت در بازار خاکستری؛ و...، کمی از تأثیر تحریم‌ها بکاهد. البته همهٔ این روش‌ها، موقتی‌اند و نمی‌توان به آن‌ها اتکا کرد. اما ایران باید برای جلوگیری از اجماع جهانی بر سر این تحریم‌ها تلاش کند؛ زیرا، با به‌وجود آمدن اجماع جهانی، نخست، این تحریم‌ها مشروعیت می‌یابند، و دوم، هزینهٔ دور زدن آن‌ها افزایش می‌یابد؛ ازاین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا، در هر شرایطی، جریمهٔ بسیار بالا و پاداش کمی برای ایران در پی دارد؛ براین‌اساس، این تصمیم برای ایران، هزینه‌های سنگین و پیامدهای منفی‌ای خواهد داشت.

۵-۲-۳. حفظ وضع موجود

انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا انجام می‌شود و بیشتر به‌وجودآورندهٔ وضعیتی شبیه به سکون است (می‌توان آن را آرامش پیش از طوفان به‌شمار آورد). به‌بیان روشن‌تر، به آمریکا اجازه می‌دهد که وقفه‌ای ایجاد کند تا بتواند تأثیرات اقدامات پیشین را مشاهده، یا شرایط انجام اقدامات جدید را فراهم کند (مواردی مانند اجماع و همراهی کشورهای دیگر با اقدامات آمریکا؛ معافیت‌های تحریمی؛ و... در این بخش طبقه‌بندی می‌شوند). این حفظ وضع موجود درواقع، راهی است برای آمریکا تا با حفظ ابتکار عمل (چون نوبت تصمیم‌گیری همچنان با آمریکاست)، هم سبب کاهش تنش‌های منطقه‌ای و جهانی شود و هم با حفظ فشار بر ایران، موجب تثبیت اقدامات پیشین شود. این نقطه از بازی، اگرچه می‌تواند به‌عنوان نقطهٔ تعادل بازی به‌شمار آید، اما بسیار ناپایدار است و نمی‌تواند برای مدت طولانی باقی بماند و با کوچک‌ترین

تغییراتی از آن گذر می کنیم.

• پاداش آمریکا

کاهش تنش در منطقه و جهان؛ تثبیت اقدامات پیشین؛ حفظ ابتکار عمل و برنامه‌ریزی برای اقدامات آینده؛ مشاهده و بررسی پیامدهای اقدامات پیشین، به‌منظور بهینه‌سازی آن‌ها؛ کاهش نااطمینانی در اقتصاد جهانی.

• جریمهٔ آمریکا

طولانی و فرسایشی شدن این بازی که سبب بروز مشکلات سیاسی و بدگمانی در مورد اقدامات پیشین آمریکا شود؛ تردید داخلی و خارجی دربارهٔ توانایی آمریکا در انجام خواسته‌هایش؛ پیدا شدن راه‌های جدیدی برای ایران به‌منظور کاهش پیامدهای ویرانگر اقدامات پیشین آمریکا؛ افزایش هزینه‌های تثبیت اقدامات پیشین.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم در کوتاه‌مدت، پاداش بالاتری نسبت به جریمهٔ آن برای آمریکا دارد (در کوتاه‌مدت و میان‌مدت)؛ براین‌اساس، پیامد انتخاب این تصمیم برای آمریکا در کوتاه‌مدت، مثبت خواهد بود. اما با طولانی شدن زمان بازی، جریمهٔ این تصمیم، افزایش و پاداش آن کاهش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که پیامد انتخاب این تصمیم برای آمریکا در بلندمدت، منفی خواهد بود.

• پاداش ایران

شاید تنها پاداشی که با انتخاب این تصمیم می‌توان برای ایران تصور کرد، داشتن زمانی برای استفاده از منافذ و پیدا کردن راه‌هایی برای کاهش تأثیرات اقدامات پیشین آمریکا و تلاش برای غیرقانونی جلوه دادن این اقدامات و جلوگیری از اجماع جهانی علیه ایران است.

• جریمهٔ ایران

کاهش بخشی از تولید به‌دلیل پیامدهای تأخیری اقدامات پیشین؛ افزایش پیامدهای اقدامات پیشین آمریکا به‌دلیل طولانی شدن زمان بازی؛ افزایش پیامدهای اقدامات پیشین آمریکا به‌دلیل بهینه شدن آن‌ها توسط آمریکا؛ مشکلات اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی ناشی از طولانی شدن زمان بازی.

می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا (چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت)، جریمهٔ بالاتری نسبت به پاداش آن برای ایران دارد؛ بنابراین، پیامد انتخاب این تصمیم از سوی آمریکا، برای ایران همواره منفی خواهد بود.

۶-۲-۳. توافق طرفین

البته پیش از رسیدن به این شاخه باید یکی از بازیکنان، پیشنهاد مذاکره را انتخاب کرده باشد و بازیکن دوم آن را بپذیرد و با انجام مذاکره به یک توافق برسند؛ بنابراین، چنین تصمیمی باید از سوی دو بازیکن گرفته شود و پس‌ازآن، به نقطهٔ پایان بازی می‌رسیم. این نقطه می‌تواند به‌عنوان

تعادل پایدار در بلندمدت درنظر گرفته شود. البته نکته‌هایی دربارۀ رسیدن به توافق وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، بی‌تردید، این توافق با آمریکا، تنها مربوط به مسئلۀ سهم نفت نیست و موارد دیگر اختلاف را نیز دربر می‌گیرد. همچنین، باید توجه داشت که هر توافق در ذات خود، یک بده‌بستان است (یعنی پرداخت هزینه و کسب منفعت به‌طور هم‌زمان)؛ پس در این توافق، سهم بازار ایران ممکن است بسیار متغیر باشد.

- پاداش آمریکا

حذف دائم بخشی از نفت ایران و جایگزینی نفت شیل؛ نمایش قدرت آمریکا در عرصۀ بین‌الملل؛ کاهش هزینه‌های نظامی در نتیجۀ کاهش تنش‌ها در منطقه؛ کاهش هزینه‌های سیاسی به‌دلیل عدم یکجانبه‌گرایی؛ کاهش هزینه‌های مالی و اقتصادی به‌سبب پایان پیگیری اقدامات پیشین؛ ایجاد منافع اقتصادی به‌سبب تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران؛ کاهش نااطمینانی اقتصاد جهانی.

- جریمۀ آمریکا

پذیرش سهمی از بازار برای ایران و نرسیدن به همۀ اهداف؛ انتقادهای سیاسی کشورهایی مانند عربستان، اسرائیل، و... که با ایران دشمنی دارند؛ کاهش منافع حاصل از ایران‌هراسی در منطقه؛ شکست سیاسی و اقتصادی به‌دلیل ناتوانی در حذف کامل سهم ایران.

به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش بالاتری نسبت به جریمۀ آن برای آمریکا در پی دارد (البته در بلندمدت)؛ بنابراین، این تصمیم برای آمریکا، منافعی ایجاد می‌کند و پیامد آن برای این کشور، مثبت خواهد بود.

- پاداش ایران

لغو پیامدهای اقدامات گذشتۀ آمریکا (لغو تحریم‌ها، کاهش اقدامات خرابکارانه، سایبری، و...)؛ پذیرفته شدن بخشی از سهم بازار ایران و کسب منافع حاصل از آن؛ کاهش ریسک‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و.... در ایران؛ گشایش‌های سیاسی و اقتصادی در عرصۀ جهانی؛ بازگشت ثبات اقتصادی و سیاسی به ایران به‌دلیل از بین رفتن خطر جنگ تمام‌عیار و مشکلات امنیتی.

- جریمۀ ایران

از دست دادن بخشی از سهم بازار و منافع حاصل از آن؛ تضعیف سیاسی ایران در عرصۀ بین‌المللی به‌دلیل عقب‌نشینی از حق مسلم خود؛ کاهش اقتدار دولت مرکزی به‌موجب عقب‌نشینی از مواضع پیشین؛ افزایش اختلاف‌های سیاسی داخلی و دودستگی سیاسی بر سر این توافق.

می‌توان این گونه نتیجه گرفت که انتخاب یا عدم انتخاب این تصمیم از سوی ایران، ارتباط زیادی با شرایط سیاسی، اقتصادی، و امنیتی ایران و همچنین، مدت‌زمان بازی دارد (جریمه‌ها

و پاداش‌های این انتخاب برای ایران می‌تواند بسیار متفاوت باشد)؛ به گونه‌ای که در مراحل اولیهٔ بازی، جریمه‌ها بیشتر و پاداش‌ها کمتر است؛ بااین‌حال، پیامد این انتخاب برای ایران، مثبت است. با طولانی شدن مدت بازی و اثرگذاری اقدامات آمریکا، پاداش انتخاب این تصمیم افزایش یافته و جریمه‌ها کاهش می‌یابد؛ درنتیجه، پیامد انتخاب این تصمیم برای ایران، مثبت (بیشتر از کوتاه‌مدت) می‌شود. افزون‌براین، باید توجه داشت که با رسیدن به یک توافق (در یک بازی فرسایشی و بلندمدت)، صادرات نفت ایران با دو مشکل عمده روبه‌رو می‌شود؛ نخست، کاهش تولید نفت (در زمان بازی)، سبب بروز مشکلات پرشماری در چاه‌های نفت می‌شود که می‌تواند به کاهش دائمی ظرفیت تولید بینجامد؛ دوم اینکه با از دست دادن مشتریان نفتی (در زمان بازی) نمی‌توان امید داشت که پس از رسیدن به توافق، این مشتریان دوباره بازگردند و درعمل، طولانی شدن مدت‌زمان بازی، پیامدهای دائمی‌ای بر صادرات نفت ایران خواهد داشت. پس در این بازی، دو نوع پیامد برای این انتخاب درنظر گرفته می‌شود که در ادامه بررسی خواهند شد.

۷-۲-۳. پذیرش کامل سهم ایران

آمریکا می‌تواند انتخاب‌کنندهٔ چنین تصمیمی باشد که به‌نوعی، شکست کامل این کشور به‌شمار می‌آید.

- پاداش آمریکا

پاداش خاصی برای آمریکا در انتخاب این تصمیم وجود ندارد.

- جریمهٔ آمریکا

هزینهٔ سیاسی بسیار بالا در عرصهٔ بین‌المللی و به‌خطر افتادن هژمونی آمریکا؛ کاهش تولید نفت شیل به‌دلیل هزینهٔ بالای استخراج و قیمت پایین نفت به‌سبب عرضهٔ مازاد؛ کاهش تسلط بر بازار نفت؛ هزینهٔ سیاسی داخلی به‌دلیل (شکست یا) عدم تقابل با ایران.

به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش کمینه و جریمهٔ بسیار بالایی برای آمریکا در پی دارد (هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت)؛ پس چنین تصمیمی برای آمریکا، هزینهٔ سنگین و پیامدهای منفی‌ای خواهد داشت.

- پاداش ایران

حفظ سهم بازار نفت به‌طور کامل؛ افزایش وجههٔ سیاسی در داخل و در عرصهٔ جهانی؛ انگیزهٔ دوچندان در مسائل دیگر مورداختلاف.

- جریمهٔ ایران

جریمهٔ اقتصادی‌ای برای ایران در انتخاب این تصمیم آمریکا متصور نیستیم. به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش بیشینه و جریمهٔ کمینه‌ای برای ایران دارد (هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت)؛ بنابراین، برای ایران، منافعی ایجاد کرده و پیامدهای مثبتی

خواهد داشت.

۸-۲-۳. تقابل ایران

ایران می‌تواند این تصمیم را اتخاذ کند که بیانگر تلاش این کشور برای استفاده از همهٔ ابزارهای سیاسی، حقوقی، نظامی، و... در رویارویی با تصمیم‌های خصمانهٔ آمریکا است و هدف از این کار، افزایش هزینهٔ اقدامات خصمانهٔ آمریکاست. در پژوهش حاضر، تقابل ایران (که در اصل، دربردارندهٔ طیف متنوعی از اقدامات تلافی‌جویانهٔ ایران است) بیشتر به‌لحاظ جنبه‌های دفاعی، امنیتی، و تهدید به اعمال تلافی‌جویانه موردتوجه بوده و بار اقتصادی و سیاسی آن بسیار پایین درنظر گرفته شده است. البته این تصمیم، طیفی از اقدامات، ازجمله تهدید به بستن تنگهٔ هرمز، نمایش قدرت نظامی و دفاعی، تهدید به حملهٔ نظامی به اسرائیل، توقیف کشتی‌ها در خلیج فارس، استفاده از قدرت گروه‌های نیابتی در منطقه، حمله به مواضع آمریکا در منطقه (در بالاترین سطح) و... را دربر خواهد گرفت. اما باید این نکته را درنظر داشته باشیم که انتخاب این تصمیم، به‌دلیل تنوع زیاد، می‌تواند پاداش‌ها و جریمه‌های متفاوتی را برای بازیکنان به‌همراه داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، انجام اقدامات نامتوازن از سوی ایران، به‌احتمال زیاد، به انجام واکنش تلافی‌جویانه از سوی آمریکا خواهد انجامید و سبب ایجاد تنش‌های بیشتری در منطقه می‌شود و همچنین، احتمال ایجاد اجماع جهانی برای مقابله با ایران را افزایش خواهد داد.

• پاداش آمریکا

به‌طورکلی، پاداش زیادی برای آمریکا دربر ندارد، اما بسته به شدت و ضعف اقدامات ایران، می‌توان موارد زیر را نام برد:

استفادهٔ سیاسی از آن برای ایجاد اجماع جهانی یا منطقه‌ای علیه ایران؛ افزایش ایران‌هراسی و درنتیجه، افزایش قراردادهای امنیتی و نظامی در منطقه توسط آمریکا؛ بهانه‌ای برای افزایش حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه.

• جریمهٔ آمریکا

کاهش هژمونی آمریکا در عرصهٔ جهانی به‌دلیل ناتوانی در کنترل ایران؛ افزایش هزینه‌های نظامی و دفاعی آمریکا به‌سبب افزایش تنش در منطقه؛ افزایش قیمت نفت به‌دلیل افزایش ریسک‌های عرضهٔ آن؛ افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی؛ افزایش هزینه‌های سیاسی اقدامات پیشین آمریکا.

به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش کوچک و جریمهٔ بزرگ‌تری برای آمریکا در پی دارد (در کوتاه‌مدت)؛ ازاین‌رو، این تصمیم برای آمریکا هزینه‌بر بوده و پیامدهای منفی‌ای برای این کشور خواهد داشت.

• پاداش ایران

افزایش قیمت نفت و درنتیجه، افزایش درآمدهای نفتی؛ افزایش اثرگذاری ایران بر بازار تجارت

و عرضهٔ نفت؛ نشان دادن قدرت نظامی و سیاسی ایران؛ افزایش ریسک اقدامات خصمانهٔ کشورهای منطقه علیه ایران.

• جریمهٔ ایران

افزایش ایران‌هراسی و فشار بر نیروهای نیابتی ایران در منطقه؛ افزایش تعداد نیروهای نظامی در آب‌های جنوبی ایران؛ بالا رفتن ریسک‌های اقتصادی به‌دلیل افزایش تنش‌های سیاسی؛ امنیتی شدن فضای کشور و افزایش فشار بر کشورهای متحد ایران؛ افزایش احتمال اقدامات تلافی‌جویانهٔ آمریکا.

اگرچه این اقدامات برپایهٔ نوع و شدت آن، نتایج گوناگونی دربر دارد، اما در کوتاه‌مدت می‌توان پاداشی بالاتر از جریمه‌های آن را برای ایران متصور شد؛ بنابراین، چنین تصمیمی برای ایران، منافع و پیامدهای مثبتی خواهد داشت.

۹-۲-۳. صبر راهبردی ایران

این تصمیم که ایران، انتخاب‌کنندهٔ آن خواهد بود، بیانگر تلاش ایران برای استفاده از همهٔ ابزارهای سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، و... در رویارویی با اقدامات خصمانهٔ آمریکا خواهد بود که هدف آن‌ها، کاهش منافع این‌گونه اقدامات است. در پژوهش حاضر، صبر راهبردی ایران (که در اصل دربردارندهٔ طیف متنوعی از اقدامات ایران است)، بیشتر به‌لحاظ اقتصادی و سیاسی موردتوجه بوده است و بار نظامی و دفاعی آن، بسیار پایین درنظر گرفته شده است. البته این تصمیم دربردارندهٔ طیفی از اقدامات، مانند خصمانه جلوه دادن اقدامات آمریکا (کنفرانس، مصاحبه، شکایت از آمریکا در محاکم و مجامع بین‌المللی)، دور زدن تحریم‌های نفتی (فروش در بازار خاکستری، تخفیف‌های ویژه، فروش در برابر پول ملی یا کالا، و...)، دور زدن تحریم‌های مالی (استفاده از ارزهای دیجیتال، معاملات با طلا، انتقال پول به‌صورت چمدانی، و...)، استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای دوست و هم‌پیمان و... خواهد بود؛ اما بیشتر این فعالیت‌ها (به‌ویژه در مورد دور زدن تحریم‌ها) سبب افزایش فساد و رانت در اقتصاد ایران می‌شوند و افزون‌براین، ارائهٔ این خدمات به‌دلیل ترس از شناسایی و اعمال جرایم آمریکا، با قیمت بسیار بالایی به ایران داده می‌شود که خود، سبب هدررفت منابع ملی خواهد شد.

• پاداش آمریکا

به‌لحاظ اقتصادی، پاداش خاصی برای آمریکا متصور نیستیم و تنها شاید بتوان به کسب منافع مالی از طریق جریمه کردن ناقضان تحریم اشاره کرد.

• جریمهٔ آمریکا

عدم دستیابی آمریکا به اهداف پیش‌بینی‌شده؛ کاهش هژمونی آمریکا در عرصهٔ جهانی به‌دلیل ناتوانی در کنترل ایران؛ کاهش وجههٔ سیاسی آمریکا به‌سبب فعالیت‌های سیاسی ایران؛ کاهش

منافع اقدامات پیشین؛ افزایش هزینه‌های پیگیری اقدامات پیشین؛ افزایش تردیدها دربارهٔ مؤثر بودن اقدامات پیشین.

به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم از سوی ایران، پاداشی کم و جریمه‌ای بیشتر برای آمریکا در پی دارد (در کوتاه‌مدت)؛ ازاین‌رو، این تصمیم برای آمریکا هزینه‌بر و دارای پیامدهای منفی خواهد بود.

• پاداش ایران

افزایش فروش نفت؛ افزایش دسترسی به درآمدهای نفتی و ارزی؛ نشان دادن قدرت سیاسی و قدرت چانه‌زنی ایران؛ کاهش فشارها و ریسک‌های اقتصادی؛ کاهش خطر بروز جنگ.

• جریمهٔ ایران

افزایش هزینه‌های اقتصادی؛ افزایش احتمال اقدامات شدیدتر از سوی آمریکا به‌دلیل عدم پاسخ‌گویی ایران؛ کاهش وجههٔ سیاسی در داخل به‌دلیل ناتوانی در مقابله با آمریکا.

اگرچه این اقدامات، بر پایهٔ نوع و شدت آن، نتایج گوناگونی را دربر دارد، اما به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، جریمه‌ای کم و پاداشی بیشتر برای ایران در پی دارد (در کوتاه‌مدت)؛ ازاین‌رو، این تصمیم برای ایران، سودبخش بوده و پیامدهای مثبتی خواهد داشت.

۱۰-۲-۳. پیشنهاد یا پذیرش انجام مذاکره

هردو بازیکن می‌توانند انتخاب‌کنندهٔ این تصمیم باشند که دربردارندهٔ دو حالت است: پیشنهاد انجام مذاکره یا پذیرش انجام مذاکره. مدت‌زمان بازی نیز سبب تغییر پیامدهای انتخاب این تصمیم می‌شود که در ادامه بررسی خواهد شد. نکتهٔ کلی‌ای که باید درنظر داشت، این است که در بیشتر موارد، نفس انجام مذاکره، اهمیت خاصی ندارد و تنها رسیدن به یک توافق و نتایج آن (دستاوردهای هریک از بازیکنان) از اهمیت برخوردار است (البته در برخی موارد، به‌دلیل طولانی شدن مذاکرات، هزینهٔ عدم‌توافق به‌شدت افزایش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که هزینهٔ توافق نکردن، بالاتر از انجام یک توافق بد می‌شود). همچنین، مذاکره به‌خودی‌خود، نوعی چانه‌زنی برای به‌دست آوردن منافع بیشتر با پرداخت هزینهٔ کمتر است؛ بنابراین، قدرت یا ضعف هر بازیکن، می‌تواند بر نتیجهٔ مذاکرات تأثیرگذار باشد؛ ازاین‌رو، بهترین زمان برای مذاکره (از دید یک بازیکن)، زمانی است که در موضع قدرت باشد تا بتواند با دست پر در هنگام چانه‌زنی، منافع بیشتری را با هزینهٔ کمتر به‌دست آورد. نکتهٔ دیگر اینکه، هنگام انجام مذاکرات (با قصد رسیدن به توافق)، طرفین مذاکره باید امتیازهایی را به طرف دیگر بپردازند و از بعضی از خواسته‌های خود عقب‌نشینی کنند؛ به‌بیان روشن‌تر، نمی‌توان با گرفتن همهٔ خواسته‌ها و نپرداختن هیچ هزینه‌ای، به یک توافق پایدار رسید و اگر چنین توافقی به یکی از بازیکنان تحمیل شود، چندان پایدار نخواهد ماند. در مورد آمریکا باید توجه داشت که این کشور در بیشتر موارد، از مذاکره به‌عنوان یک ابزار تبلیغاتی استفاده می‌کند و هدف از انجام مذاکره را،

تنها انجام مذاکره می‌داند نه رسیدن به یک توافق کامل و جامع.

در مورد ایران نیز باید این نکته را درنظر داشته باشیم که در ایران، پذیرش انجام مذاکره (یا پیشنهاد انجام مذاکره) با آمریکا به یک تابو تبدیل شده است (با ناپسند جلوه دادن آن در عرصهٔ سیاسی به‌گونه‌ای که مطرح کردن آن از طرف هر شخص یا جناح سیاسی با بازخورد منفی در داخل و پرداخت هزینهٔ سنگین روبه‌رو خواهد بود) و سبب افزایش جریمه‌های انتخاب این تصمیم برای ایران می‌شود که برای منافع ملی ایران بسیار گران تمام می‌شود. به‌طورکلی، ایران تنها زمانی به انتخاب این تصمیم (پذیرش یا پیشنهاد مذاکره) روی می‌آورد که درعمل، انتخاب دیگری نداشته باشد و در آن زمان، بی‌تردید در موضع قدرت نخواهد بود و دستاورد خاصی از آن نصیب کشور نمی‌شود. اما در پژوهش حاضر دو حالت را برای ایران درصورت پذیرش انجام مذاکره (کوتاه‌مدت و بلندمدت)، یک حالت برای پیشنهاد و پذیرش انجام مذاکره از سوی آمریکا، همچنین، یک حالت برای پیشنهاد مذاکره از سوی ایران درنظر می‌گیریم که به‌لحاظ میزان پاداش و جریمه با هم تفاوت دارند.

- پاداش آمریکا

بهره‌برداری سیاسی آمریکا در داخل و خارج؛ نشان دادن قدرت تأثیرگذاری بر بازار نفت ایران؛ کاهش نااطمینانی در اقتصاد جهانی؛ کاهش هزینه‌های سیاسی به‌دلیل عدم یکجانبه‌گرایی؛ کاهش هزینهٔ نظامی و دفاعی آمریکا در منطقه به‌سبب کاهش تنش‌های منطقه‌ای.

- جریمهٔ آمریکا

کاهش منافع حاصل از ایران‌هراسی در منطقه؛ عدم پیگیری قاطعانهٔ اقدامات پیشین؛ عدم انجام اقدامات جدید.

به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم برای آمریکا، پاداشی تقریباً برابر با جریمهٔ آن در پی دارد؛ ازاین‌رو، چنین تصمیمی برای این کشور پیامد خاصی ندارد و ما آن را در این مذاکره، برابر با صفر درنظر می‌گیریم.

- پاداش ایران

افزایش دسترسی به منابع و بالا رفتن میزان فروش نفت؛ کاهش فشارهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی، و... بر ایران؛ کاهش نااطمینانی در اقتصاد ایران (کاهش شدید انتظارات تورمی)؛ کاهش خطر بروز جنگ.

- جریمهٔ ایران

کاهش اقتدار دولت مرکزی به‌دلیل عقب‌نشینی از مواضع پیشین؛ افزایش فشار سیاسی از خارج به‌منظور رسیدن به توافق؛ تضعیف وجههٔ سیاسی ایران در عرصهٔ بین‌المللی به‌دلیل عقب‌نشینی؛ افزایش فشار سیاسی برای رسیدن به توافق (از سوی بخشی از جامعه)؛ افزایش اختلاف‌های سیاسی داخلی و دودستگی سیاسی دربارهٔ انجام مذاکره.

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انتخاب یا عدم انتخاب این تصمیم از سوی ایران، ارتباط زیادی با شرایط سیاسی، اقتصادی، و امنیتی ایران و همچنین، مدت‌زمان بازی دارد (جریمه‌ها و پاداش‌های این انتخاب برای ایران می‌تواند بسیار متفاوت باشد)؛ به‌گونه‌ای که درصورت پذیرش انجام مذاکره، در مراحل نخست بازی، جریمه‌ها بر پاداش‌ها برتری دارد و پیامد آن انتخاب برای ایران، منفی خواهد بود، اما با طولانی شدن مدت بازی و تأثیر اقدامات آمریکا، پاداش انتخاب این تصمیم بر جریمهٔ آن برتری می‌یابد و پیامد این انتخاب برای ایران، مثبت می‌شود. همچنین، به‌دلیل فضای سیاسی حاکم بر ایران، پیشنهاد مذاکره، نوعی شکست و تسلیم کامل در برابر آمریکا به‌شمار می‌آید و همواره پیامدهای منفی‌ای برای آن درنظر گرفته می‌شود.

۳-۲-۱۱. تسلیم کامل ایران

این تصمیم که از سوی ایران انتخاب می‌شود، شکست کاملی برای کشور به‌شمار می‌آید.

- پاداش آمریکا

کسب سهم بازار نفت ایران به‌طور کامل؛ افزایش تولید نفت شیل؛ افزایش وجههٔ سیاسی در داخل و عرصهٔ جهانی به‌دلیل پیروزی در مقابل ایران؛ تسلط کامل بر بازار نفت.

- جریمهٔ آمریکا

افزایش قیمت نفت به‌دلیل کمبود عرضهٔ آن؛ افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی؛ افزایش انتقادهای سیاسی از آمریکا؛ یکجانبه‌گرایی کشورهای مصرف‌کنندهٔ نفت.

به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش بیشینه و جریمهٔ کمی برای آمریکا در پی دارد (هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت)؛ ازاین‌رو، چنین تصمیمی برای آمریکا منافع و پیامدهای مثبتی خواهد داشت.

- پاداش ایران

درصورت انتخاب این تصمیم، پاداش خاصی برای ایران متصور نیستیم.

- جریمهٔ ایران

صفر شدن صادرات نفتی ایران؛ صفر شدن درآمد نفتی و کاهش شدید ارز؛ افزایش مشکلات اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی.

به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب این تصمیم، پاداش کمینه و جریمهٔ بسیار بالایی برای ایران در پی دارد (هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت)؛ ازاین‌رو، چنین تصمیمی برای ایران هزینه‌های سنگین و پیامدهای منفی‌ای خواهد داشت.

۳-۲-۱۲. خلاصهٔ پیامدهای انتخاب هریک از تصمیم‌ها

در جدول شمارهٔ (8) پیامد هریک از تصمیم‌های مطرح‌شده برای هرکدام از بازیکنان مشخص شده است.

جدول شمارهٔ (۸). پیامد انتخاب هریک از تصمیم‌ها

نام تصمیم	بازیکن تصمیم‌گیرنده	پیامد برای آمریکا	پیامد برای ایران
حملهٔ تمام‌عیار آمریکا	آمریکا	منفی	منفی
حملهٔ محدود آمریکا	آمریکا	مثبت	منفی
تحریم‌های آمریکا	آمریکا	مثبت	منفی
حفظ وضع موجود	آمریکا	مثبت / منفی	منفی
پیشنهاد مذاکره	ایران و آمریکا	صفر	منفی
پذیرش انجام مذاکره	ایران و آمریکا	صفر	مثبت / منفی
توافق طرفین	ایران و آمریکا	مثبت	مثبت
پذیرش کامل سهم ایران	آمریکا	منفی	مثبت
تقابل ایران	ایران	منفی	مثبت
صبر راهبردی ایران	ایران	منفی	مثبت
تسلیم کامل ایران	ایران	مثبت	منفی

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. کمّی کردن پیامدها و مقایسهٔ تصمیم‌ها

در بخش پیشین، پیامد انتخاب هریک از تصمیم‌ها را برای هریک از بازیکنان بررسی کردیم که خلاصهٔ این پیامدها در جدول شمارهٔ (8) ارائه شده است. اما در ادامه، دو موضوع را بررسی خواهیم کرد: نخست، اولویت انتخاب هر تصمیم (بر پایهٔ پیامدهای آن) برای هریک از بازیکنان، دوم، کمّی کردن پیامدهای انتخاب هر تصمیم، تا بتوانیم پیامد انتخاب چند تصمیم پیاپی را برای هریک از بازیکنان مشخص کرده و هریک از شاخه‌های این بازی را با یکدیگر مقایسه کنیم. در پژوهش حاضر این نکته را در نظر گرفته‌ایم که پیامدهای انتخاب هریک از تصمیم‌ها، با گذشت زمان بازی تغییر می‌کند؛ ازاین‌رو، این بازی را در دو حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی می‌کنیم.

۴-۱. پیامدهای کوتاه‌مدت تصمیمات از دیدگاه آمریکا

در جدول شمارهٔ (9) پیامدهای کوتاه‌مدت هریک از اقدامات بررسی‌شده برای آمریکا مشخص شده است.

جدول شمارهٔ (۹). خلاصهٔ پیامدهای تصمیمات برای آمریکا (کوتاه‌مدت)

رتبه	نوع تصمیم	کشور تصمیم‌گیرنده	گره تصمیم‌گیری	پیامد
۱	تسلیم کامل ایران	ایران	IR1, IR2	۱۵
۲	توافق طرفین	ایران و آمریکا	US4, US7, US10	۷

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۳	پیشنهاد مذاکره ایران	ایران	IR1, IR2	۶
۴	پذیرش مذاکرۀ ایران	ایران	IR3	۵
۵	تحریم‌ها	آمریکا	US1	۴
۶	حفظ وضع موجود	آمریکا	US2 to US10	۳
۷	حملۀ محدود	آمریکا	US1	۲
۸	پیشنهاد و پذیرش مذاکره آمریکا	آمریکا	US1, US4, US7, US10	۰
۹	صبر راهبردی ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	-۳
۱۰	تقابل ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	-۴
۱۱	جنگ تمام‌عیار	آمریکا	US2, US3, US5, US6, US8, US9	-۸
۱۲	پذیرش سهم ایران	آمریکا	US1	-۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۴. پیامدهای کوتاه‌مدت تصمیمات از دیدگاه ایران

در جدول شمارۀ (10) پیامدهای کوتاه‌مدت هر یک از اقدامات بررسی‌شده برای ایران مشخص شده است.

جدول شمارۀ (۱۰). خلاصۀ پیامدهای تصمیمات برای ایران (کوتاه‌مدت)

رتبه	نوع تصمیم	کشور تصمیم‌گیرنده	گره تصمیم‌گیری	پیامد
۱	پذیرش سهم ایران	آمریکا	US1	۲۰
۲	صبر راهبردی ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	۵
۳	تقابل ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	۳
۴	توافق طرفین	ایران و آمریکا	US4, US7, US10	۲
۵	پیشنهاد و پذیرش مذاکره آمریکا	آمریکا	US1, US4, US7, US10	۰
۶	حفظ وضع موجود	آمریکا	US2 to US10	-۱
۷	حملۀ محدود	آمریکا	US1	-۴
۸	تحریم‌ها	آمریکا	US1	-۸
۹	پذیرش مذاکره ایران	ایران	IR3	-۹
۱۰	پیشنهاد مذاکره ایران	ایران	IR1, IR2	-۱۰
۱۱	جنگ تمام‌عیار	آمریکا	US2, US3, US5, US6, US8, US9	-۱۵
۱۲	تسلیم ایران	ایران	IR1, IR2	-۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳. پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت تصمیمات از دیدگاه آمریکا

در جدول شمارۀ (11) پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت هریک از اقدامات بررسی‌شده برای آمریکا مشخص شده است.

جدول شمارۀ (۱۱). خلاصۀ پیامدهای تصمیم‌ها برای آمریکا (بلندمدت)

رتبه	نوع تصمیم	کشور تصمیم‌گیرنده	گره تصمیم‌گیری	پیامد
۱	تسلیم ایران	ایران	IR1, IR2	۱۵
۲	پیشنهاد مذاکرۀ ایران	ایران	IR1, IR2	۶
۳	پذیرش مذاکره ایران	ایران	IR3	۵
۴	حملۀ محدود	آمریکا	US1	۴
۵	تحریم‌ها	آمریکا	US1	۳
۶	توافق طرفین	ایران و آمریکا	US4, US7, US10	۳
۷	پیشنهاد و پذیرش مذاکرۀ آمریکا	آمریکا	US1, US4, US7, US10	۰
۸	حفظ وضع موجود	آمریکا	US2 to US10	-۱
۹	صبر راهبردی ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	-۲
۱۰	تقابل ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	-۴
۱۱	جنگ تمام‌عیار	آمریکا	US2, US3, US5, US6, US8, US9	-۷
۱۲	پذیرش سهم ایران	آمریکا	US1	-۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت تصمیمات از دیدگاه ایران

در جدول شمارۀ (12) پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت هریک از اقدامات بررسی‌شده برای ایران مشخص شده است.

جدول شمارۀ (۱۲). خلاصۀ پیامدهای تصمیمات برای ایران (بلندمدت)

رتبه	نوع تصمیم	کشور تصمیم‌گیرنده	گره تصمیم‌گیری	پیامد
1	پذیرش سهم ایران	آمریکا	US1	20
2	تقابل ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	4
3	توافق طرفین	ایران و آمریکا	US4, US7, US10	3
4	صبر راهبردی ایران	ایران	IR1, IR2, IR3	2
5	پیشنهاد و پذیرش مذاکره آمریکا	آمریکا	US1, US4, US7, US10	0
6	تحریم‌ها	آمریکا	US1	2-

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

7	پذیرش مذاکرهٔ ایران	ایران	IR3	1-
8	حفظ وضع موجود	آمریکا	US2 to US10	3-
9	حملهٔ محدود	آمریکا	US1	5-
10	پیشنهاد مذاکره از سوی ایران	ایران	IR1, IR2	10-
11	جنگ تمام‌عیار	آمریکا	US2, US3, US5, US6, US8, US9	15-
12	تسلیم ایران	ایران	IR1, IR2	17-

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۴. مقایسهٔ پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت تصمیمات برای ایران و آمریکا

در جدول شمارهٔ (13) پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت هریک از اقدامات بررسی‌شده برای ایران و آمریکا با یکدیگر مقایسه شده است.

جدول شمارهٔ (۱۳). مقایسهٔ پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت تصمیم‌ها برای ایران و آمریکا

رتبه	انتخاب تصمیم		آمریکا	رتبه	انتخاب تصمیم		ایران
۱	تسلیم ایران		۱۵	۱	پذیرش سهم ایران		۲۰
۲	توافق طرفین	(کوتاه‌مدت)	۷	۲	صبر راهبردی ایران	(کوتاه‌مدت)	۵
۳	پیشنهاد مذاکره توسط ایران		۶	۳	تقابل ایران	(بلندمدت)	۴
۴	قبول مذاکره توسط ایران	(کوتاه‌مدت)	۵	۴	تقابل ایران	(کوتاه‌مدت)	۳
۵	قبول مذاکره توسط ایران	(بلندمدت)	۵	۵	توافق طرفین	(بلندمدت)	۳
۶	تحریم‌ها	(کوتاه‌مدت)	۴	۶	صبر راهبردی ایران	(بلندمدت)	۲
۷	حملهٔ محدود	(بلندمدت)	۴	۷	توافق طرفین	(کوتاه‌مدت)	۲

۸	تحریم‌ها	(بلندمدت)	۳	۸	پیشنهاد و پذیرش مذاکرهٔ آمریکا		۰
۹	توافق طرفین	(بلندمدت)	۳	۹	حفظ وضع موجود	(کوتاه‌مدت)	-۱
۱۰	حفظ وضع موجود	(کوتاه‌مدت)	۳	۱۰	قبول مذاکره توسط ایران	(بلندمدت)	-۲
۱۱	حملهٔ محدود	(کوتاه‌مدت)	۲	۱۱	تحریم‌ها	(بلندمدت)	-۲
۱۲	پیشنهاد و پذیرش مذاکرهٔ آمریکا		۰	۱۲	حفظ وضع موجود	(بلندمدت)	-۳
۱۳	حفظ وضع موجود	(بلندمدت)	-۱	۱۳	حمله محدود	(کوتاه‌مدت)	-۴
۱۴	صبر راهبردی ایران	(بلندمدت)	-۲	۱۴	حمله محدود	(بلندمدت)	-۵
۱۵	صبر راهبردی ایران	(کوتاه‌مدت)	-۳	۱۵	تحریم‌ها	(کوتاه‌مدت)	-۸
۱۶	تقابل ایران	(کوتاه‌مدت)	-۴	۱۶	قبول مذاکره توسط ایران	(کوتاه‌مدت)	-۹
۱۷	تقابل ایران	(بلندمدت)	-۴	۱۷	پیشنهاد مذاکره توسط ایران		-۱۰
۱۸	جنگ تمام‌عیار		-۷	۱۸	جنگ تمام‌عیار		-۱۵
۱۹	پذیرش سهم ایران		-۱۲	۱۹	تسلیم ایران		-۱۷

منابع: یافته‌های پژوهش

این بازی در سه مرحله انجام می‌شود که هریک، نمادی از مدت‌زمان بازی ایران و آمریکاست. دورهٔ نخست بازی در کوتاه‌مدت رخ می‌دهد، مرحلهٔ دوم بازی در میان‌مدت اتفاق می‌افتد، و مرحلهٔ سوم، نشانگر دورهٔ بلندمدت است. پیامد انتخاب این تصمیم‌ها در دورهٔ نخست بازی از نوع کوتاه‌مدت است و در دو دورهٔ دیگر بازی، از پیامدهای بلندمدت استفاده می‌شود.

۵. مرحلهٔ نخست بازی

گره نخست در درخت بازی، U1 است که در آن آمریکا، 4 انتخاب برای تصمیم‌گیری دارد که دربردارندهٔ پذیرش سهم ایران، پیشنهاد مذاکرهٔ آمریکا، تحریم ایران، و حملهٔ محدود است. البته در این قسمت از بازی اگر آمریکا پذیرش کامل سهم ایران را انتخاب کند، به یکی از نقاط پایانی بازی می‌رسیم. پس‌ازآن، نوبت تصمیم‌گیری ایران است که برپایهٔ هر شاخهٔ تصمیم‌گیری، دربردارندهٔ انتخاب 4 تصمیم است که عبارتند از: تسلیم کامل ایران، پیشنهاد مذاکرهٔ ایران، صبر راهبردی ایران، و تقابل ایران (به‌جز شاخهٔ پیشنهاد مذاکرهٔ آمریکا که دربردارندهٔ انتخاب سه تصمیم است که عبارتند از: پذیرش انجام مذاکره، تقابل ایران، و صبر راهبردی ایران). البته در این قسمت از بازی اگر ایران گزینهٔ تسلیم کامل را انتخاب کند، به یکی از نقاط پایانی بازی می‌رسیم و پس‌ازآن، دوباره نوبت تصمیم گیری آمریکاست که برپایهٔ شاخهٔ انتخابی دربردارندهٔ چندین انتخاب گوناگون شامل جنگ تمام‌عیار، توافق طرفین و بازگشت به گره شروع بازی، و شروع مرحلهٔ دوم بازی (که این برگشت به گره نخست می‌تواند هم به گونه‌ای سریع و هم پس از انتخاب حفظ شرایط موجود انجام شود. البته حفظ شرایط موجود

را می‌توان به‌عنوان یک نقطهٔ تعادل کوتاه‌مدت و موقتی درنظر گرفت که با کوچک‌ترین تغییر شرایط از آن خارج می‌شویم) است. در این قسمت از بازی اگر آمریکا جنگ تمام‌عیار و توافق طرفین را انتخاب کند، به نقاط پایانی دیگر بازی می‌رسیم. با رسیدن به این نقطه از بازی، مرحلهٔ نخست بازی به پایان می‌رسد و اگر در یکی از نقاط پایانی نبودیم، بازی با بازگشت به گره نخست دوباره شروع می‌شود. گفتنی است، برای این بازی، 4 نقطهٔ پایانی و یک نقطهٔ پایانی موقت درنظر گرفته شده است که عبارتند از: تسلیم کامل ایران، پذیرش سهم ایران، جنگ تمام‌عیار، و توافق طرفین که نقطهٔ پایانی بازی به‌شمار می‌آید و حفظ وضع موجود که به‌عنوان نقطهٔ پایانی موقت در بازی درنظر گرفته شده است. البته باید این نکته را نیز درنظر گرفت که نقاط شروعی نیز در بازی وجود دارند که تنها نشان‌دهندهٔ برگشت به گره اولیهٔ بازی و شروع دورهٔ بعدی هستند و نقطهٔ پایانی به‌شمار نمی‌آیند (نقاط شروع تنها در دو مرحلهٔ نخست بازی وجود دارد و در مرحلهٔ سوم بازی، که پایان بازی است، وجود ندارند و بازی باید به یکی از نقاط پایانی برسد؛ چه موقت و چه دائم).

۶. مرحلهٔ دوم بازی

مرحلهٔ دوم بازی با برگشت به گره تصمیم‌گیری اولیهٔ U1 و با نوبت تصمیم‌گیری آمریکا شروع می‌شود و مانند مرحلهٔ نخست، همهٔ آن تقسیم‌بندی‌ها و نقاط پایانی و پایانی موقت را داراست؛ با این تفاوت که پیامد انتخاب تصمیم‌ها برای هردو بازیکن تغییر کرده است و این پیامدها، میان‌مدت است.

۷. مرحلهٔ پایانی بازی

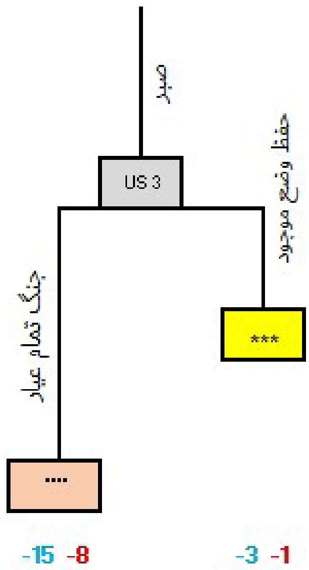
مرحلهٔ پایانی یا مرحلهٔ سوم بازی با بازگشت به گره تصمیم‌گیری اولیهٔ U1 شروع می‌شود و دوباره نوبت تصمیم‌گیری آمریکاست و مانند دو مرحلهٔ پیشین همهٔ آن انتخاب‌ها و نقاط پایانی و پایانی موقت وجود دارد؛ با این تفاوت که دیگر نقطهٔ شروع در این مرحله وجود ندارد و بازی باید با رسیدن به یکی از نقاط پایانی، تمام شود. البته نقطهٔ پایانی موقت این بازی نیز می‌تواند به‌عنوان یک نقطهٔ پایانی برای بازی درنظر گرفته شود که دراین‌صورت، بازی تمام نشده است و نشان از فرسایشی شدن بازی دارد. البته اگر این نقطهٔ پایانی موقت، به‌عنوان نقطهٔ پایانی درنظر گرفته شود، به‌طور ضمنی بیان می‌کند که هیچ‌یک از بازیکنان، قصد مصالحه و عقب‌نشینی یا توان به‌زانو درآوردن بازیکن دیگر را ندارد؛ دراین‌صورت، باید شرایط بازی به‌گونه‌ای تغییر کند که سبب تغییر پیامدها برای دو کشور شود و از این سکون خارج شویم (به‌عنوان مثال، تغییر رئیس‌جمهور دو کشور یا یک رویداد نظامی خاص، و...).

۸. روش حل بازی و پیدا کردن نقطهٔ پایانی

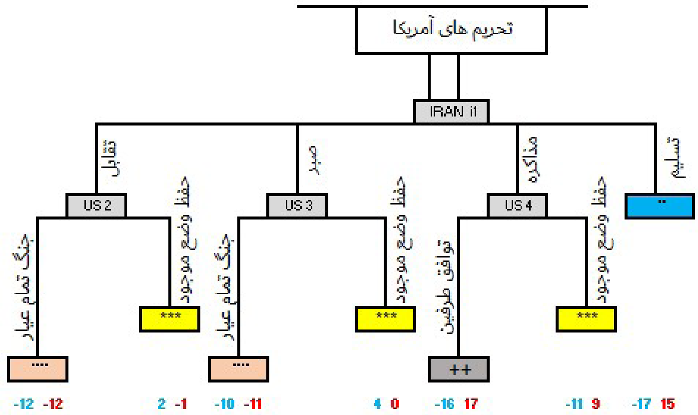
پیامدهای هر تصمیم (صرف‌نظر از اینکه توسط کدام بازیکن انتخاب شده است) به‌صورت دو عدد نمایش داده می‌شود که عدد سمت چپ، مربوط به دستاورد ایران، و عدد سمت

راست، مربوط به دستاورد آمریکا از انتخاب آن تصمیم است. اما اگر بخواهیم پیامد یک مسیر (دنباله‌ای از گره‌ها و شاخه‌ها) را به‌دست آوریم، باید پیامدهای تمام تصمیم‌ها را برای هریک از بازیکنان با هم جمع جبری کنیم؛ به‌گونه‌ای که اعداد سمت چپِ تمام جفت‌ها را با هم جمع می‌کنیم و به‌عنوان دستاورد ایران از انتخاب آن مسیر درنظر می‌گیریم. همین کار را برای اعداد سمت راست انجام داده و آن را به‌عنوان دستاورد انتخاب آن مسیر برای آمریکا درنظر می‌گیریم. بازیکن تصمیم‌گیرنده برای انتخاب تصمیم خود از میان تصمیم‌های ممکن، باید تصمیمی را برگزینند که دو شرط زیر را برآورده کند (بازیکنان، عقلایی رفتار می‌کنند). شرط نخست، بازیکن، تصمیمی را انتخاب کند که بیشترین پیامد را برای بازیکن تصمیم‌گیرنده داشته باشد؛ شرط دوم، درصورتی‌که پیامد انتخاب چند تصمیم برای بازیکن تصمیم‌گیرنده یکسان باشد، باید تصمیمی را انتخاب کند که کمترین پیامد را برای بازیکن حریف داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، در نمونهٔ زیر، آمریکا به‌دلیل بالا بودن پیامدهای حفظ وضع موجود نسبت به جنگ تمام‌عیار (پیامد حفظ وضع موجود برای آمریکا برابر با 1- و پیامد جنگ تمام‌عیار برابر با 8- است)، حفظ وضع موجود را انتخاب می‌کند. گره‌های هم‌سطح به گره‌هایی گفته می‌شود که در یک سطح تصمیم‌گیری اما در شاخه‌های گوناگون هستند؛ به‌بیان روشن‌تر، در نوبت تصمیم‌گیری بازیکن (به‌طور مشخص nامین انتخاب یک بازیکن) همهٔ گره‌هایی که وی برای nامین بار دست به انتخاب می‌زند و در شاخه‌های گوناگونی قرار دارند را گره‌های هم‌سطح می‌نامیم؛ به‌عنوان مثال، در نمودار شمارهٔ (2) US2 و US3 و US4 گره‌های هم‌سطح نامیده می‌شوند؛ زیرا، آمریکا در شاخه‌های مختلف نوبت تصمیم‌گیری دارد.

نمودار شمارهٔ (۲). نمونه‌ای از بازی



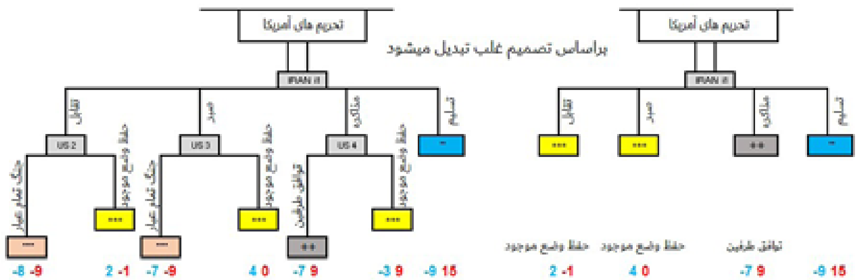
نمودار شمارهٔ (۳). گره‌های هم‌سطح



منبع: یافته‌های پژوهش

برای حل این بازی، مانند تمام بازی‌های پویا باید از آخرین مرحله شروع کنیم؛ دراین‌صورت به مرحلهٔ سوم بازی و آخرین گره‌های هم‌سطح آن می‌رویم. در این گره‌ها، نوبت تصمیم‌گیری با آمریکاست که باید در زیرشاخه‌ها اقدام به تصمیم‌گیری کند و بر پایهٔ نکتهٔ نخست، آمریکا از میان تصمیم‌های موجود، تصمیمی را انتخاب می‌کند که بیشترین پیامد را داشته باشد؛ زیرا، این تصمیم بر بقیهٔ تصمیمات آن زیرشاخه غالب است (چون پیامدهای این تصمیم برای آمریکا همواره بزرگ‌تر از پیامدهای تصمیمات دیگر است و همچنین، با درنظر گرفتن این نکته که آمریکا یک بازیکن عقلایی است، پس همواره این تصمیم را انتخاب می‌کند)؛ بنابراین، تصمیمات دیگر را حذف کرده و تصمیم غالب را به‌جای آن گره تصمیم‌گیری قرار می‌دهیم؛ برای مثال، در نمودار شمارهٔ (4) فرایند بالا (به‌جای گره‌های هم‌سطح، میزان پیامدهای تصمیم غالب قرار می‌گیرد) نشان داده شده است.

نمودار شمارهٔ (۴). تبدیل بر پایهٔ تصمیمات غالب

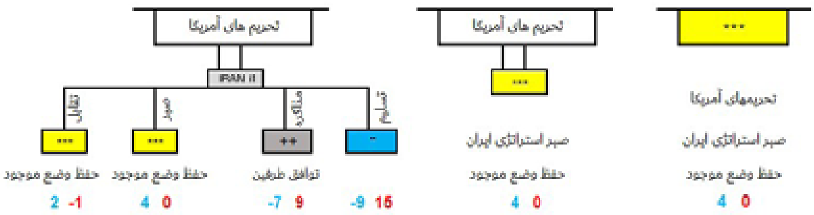


منبع: یافته‌های پژوهش

پس از انتخاب‌های آمریکا، نوبت تصمیم‌گیری ایران است که باید بین تصمیمات، یکی را انتخاب کند؛ بنابراین، طبق روال پیشتر، ایران نیز انتخاب کرده و تصمیم غالب را مشخص

می‌کند. مثال بالا را در نمودار شمارهٔ (5) ادامه می‌دهیم.

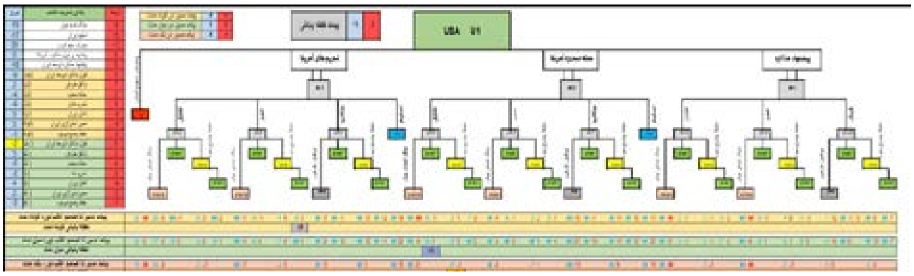
نمودار شمارهٔ (۵). تبدیل بر پایهٔ تصمیمات غالب



منبع: یافته‌های محقق

براساس این روش، تا گره اولیه پیش می‌رویم. نتیجهٔ به‌دست‌آمده از این روش، تصمیم غالب در کل مرحلهٔ سوم (که ممکن است نشان‌دهندهٔ نقطهٔ پایان بازی باشد) و مسیر (دنباله‌ای از گره‌ها و شاخه‌ها) رسیدن به نقطهٔ پایانی را نشان می‌دهد. پس از به‌دست آمدن تصمیم غالب در مرحلهٔ سوم، مقدار پیامد این تصمیم غالب را جایگزین نقاط شروع در مرحلهٔ دوم می‌کنیم (یعنی به‌جای همهٔ startهای مرحلهٔ دوم در درخت بازی، مقدار پیامد غالب را جایگزین می‌کنیم) و همهٔ مراحلی را که در مرحلهٔ سوم انجام داده‌ایم، تکرار می‌کنیم تا تصمیم غالب در مرحلهٔ دوم مشخص شود که ممکن است نقطهٔ پایان بازی باشد. ممکن است تصمیم غالب در مرحلهٔ دوم بازی، دربردارندهٔ مرحلهٔ سوم بازی نباشد؛ یعنی ممکن است مسیر بازی در مرحلهٔ دوم، به نقاط پایانی در همین مرحله ختم شود (مسیر رسیدن به نقطهٔ پایانی دربردارندهٔ start پایانی مرحلهٔ دوم نباشد). دراین‌صورت، بازی وارد مرحلهٔ سوم نمی‌شود و در همین مرحلهٔ دوم، پایان می‌یابد. پس از به‌دست آمدن تصمیم غالب در مرحلهٔ دوم، مقدار پیامد این تصمیم غالب را جایگزین نقاط شروع مرحلهٔ نخست می‌کنیم (یعنی به‌جای همهٔ startهای مرحلهٔ نخست در درخت بازی، مقدار پیامد غالب را جایگزین می‌کنیم) و همهٔ مسیرهایی را که در مرحلهٔ دوم و سوم پیموده‌ایم، تکرار می‌کنیم تا تصمیم غالب در مرحلهٔ نخست مشخص شود. البته ممکن است مانند مرحلهٔ پیشین (که نقطهٔ پایانی در همان مرحلهٔ دوم بود)، نقطهٔ پایانی در همین مرحلهٔ نخست قرار گیرد و بازی به مرحله‌های دوم و سوم وارد نشود؛ اما به‌هرروی، تصمیم غالب در مرحلهٔ نخست بازی، نشان‌دهندهٔ نقطهٔ پایان بازی است و با توجه به اینکه در به‌دست آوردن تصمیم غالب در هر مرحله، مسیر آن‌ها را نیز مشخص کرده‌ایم، می‌توانیم با استفاده از تصمیم غالب، مسیر (گره‌های فعال و شاخه‌ها) نقطهٔ پایانی را به‌دست آوریم. شکل بسط‌یافتهٔ این بازی، دربردارندهٔ 7203 مسیر است (از گره اولیه تا نقطهٔ پایانی) که قاعدتاً پیش‌نمایش نیست، اما با استفاده از برنامهٔ اکسل، این بازی را شبیه‌سازی کردیم و در نمودار شمارهٔ (6) از میان مسیرهای ممکن، تنها مسیر رسیدن به نقطهٔ پایانی را مشخص کرده‌ایم که نشان‌دهندهٔ این است که بازی در مرحلهٔ نخست از گره اولیه آغاز می‌شود و مسیر زیر را می‌پیماید.

نمودار شمارۀ (۶). درخت بازی



منبع: یافته‌های پژوهش

آمریکا، نخست، ایران را تحریم می‌کند و درمقابل، ایران، صبر راهبردی را انتخاب می‌کند. سپس، آمریکا با حفظ وضع موجود، بازی را در مرحلۀ کوتاه‌مدت تمام می‌کند و با ورود به مرحلۀ میان‌مدت، حملۀ محدود را انتخاب می‌کند و ایران، گزینۀ تقابل را انتخاب می‌کند و بازی در میان‌مدت به‌پایان می‌رسد و با شروع بازی در بلندمدت، آمریکا دوباره حملۀ محدود را انتخاب می‌کند و ایران، دوباره تقابل را انتخاب می‌کند و با انتخاب حفظ وضع موجود از سوی آمریکا، به نقطۀ پایانی بازی، که یک نقطۀ پایانی موقت است، می‌رسیم و درواقع، بازی با همان جملۀ معروف رهبری که فرمودند «نه جنگ می‌شود، نه مذاکره می‌کنیم» پایان می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با تعیین شاخص همسویی (همزمان از چندین شاخص استفاده کرده‌ایم) توانستیم روابط بین آمریکا و کشورهای منتخب را مشخص کنیم و درواقع، این شاخص نشان‌دهندۀ چگونگی رفتار آمریکا با کشورهای نفتی را آشکار می‌کند؛ ازاین‌رو، کشورهایی مانند روسیه و نیجریه (به‌دلیل پایین بودن همسویی با آمریکا) در آینده در معرض خطر از دست دادن سهم خود از بازار نفت هستند. در طرف مقابل، کشور کانادا قرار دارد که به‌دلیل همسویی با آمریکا، می‌تواند از مزایای سرمایه و فناوری این کشور در حوزۀ نفت برخوردار شده و در آینده به یکی از کشورهای مهم صادرکنندۀ نفت و گاز تبدیل شود و سهم بزرگ‌تری از بازار را به خود اختصاص دهد.

در ادامه، به‌گونه‌ای مبسوط و در حالت‌های گوناگون، بازی بین ایران و آمریکا را طراحی کردیم. در این بازی، پیامدهای هر تصمیم به‌گونه‌ای انتخاب شده است که نشان‌دهندۀ ترجیحات هریک از بازیکنان در شرایط فعلی است و با تغییر شرایط بازی، بی‌تردید پیامدهای هر تصمیم نیز متفاوت شده و نقطۀ پایانی بازی، به‌راحتی تغییر می‌کند. این تغییر شرایط می‌تواند با یک رویداد نظامی مانند تقابل نامتقارن ایران (که پیامدهای منفی زیادی برای آمریکا داشته باشد) یا حملۀ محدود (که پیامدهای منفی زیادی برای ایران داشته باشد) یا یک رویداد سیاسی مانند تغییر رئیس‌جمهور در ایران و آمریکا یا اتفاق اقتصادی‌ای مانند نگاه جنگ تجاری چین

و آمریکا (بی‌توجهی به تحریم‌ها)، یا حتی رویدادهای به‌ظاهر بی‌ربطی مانند کرونا و شاید بسیاری از موارد اجتماعی، و... رخ دهد و سرنوشت بازی به‌کلی تغییر کند. اگر از رویدادهای غیرمعمول و تصمیم‌هایی که انتخاب آن‌ها دراختیار نیست، چشم‌پوشی کنیم، همچنان تصمیماتی در بازی باقی می‌ماند که ایران می‌تواند بر آن‌ها تأثیرگذار باشد و بازی را به‌گونه‌ای پیش ببرد که بیشترین پیامدها را برای ایران داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که در تصمیماتی مانند پیشنهاد و پذیرش مذاکره، صبر راهبردی، و تقابل نظامی، حق انتخاب با ایران است و همچنین، ایران تعیین‌کنندهٔ پیامدهای این انتخاب (چه برای ایران و چه برای آمریکا) است.

در مورد تصمیم پذیرش مذاکره از سوی ایران، اگر در کشور شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که بتوان از هزینه‌های انتخاب این تصمیم کاست و پیامدهای این انتخاب را برای ایران اندکی افزایش داد (در درخت بازی در بلندمدت از -2 به -1) نقطهٔ پایان بازی در بلندمدت به نقطهٔ پایانی پایدار توافق طرفین می‌رسد. در مورد تصمیم تقابل ایران، اگر شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که سبب کاهش هزینه‌های جنگ تمام‌عیار برای آمریکا شود، آمریکا جنگ تمام‌عیار را انتخاب می‌کند.

بازی نفتی‌ای که در اینجا طراحی کردیم، توانست بسیاری از تصمیم‌های ممکن را دربر گیرد و همچنین، تغییر پیامدهای این تصمیمات را در بازه‌های زمانی گوناگون پوشش دهد. به‌بیان روشن‌تر، این گزینه را درنظر گرفتیم که بازیکنان، برپایهٔ روند بازی، پیامدهای تصمیمات اولیهٔ خود را تعدیل کنند؛ ازاین‌رو، امکان انتخاب تصمیمات بیشتر برای بازیکنان در جریان بازی فراهم شد. افزون‌براین، در طراحی این بازی به‌گونه‌ای عمل شده است که هریک از بازیکنان بتوانند پیامد انتخاب تصمیمات را، فارغ از دورهٔ بازی و شخص تصمیم‌گیرنده، با هم مقایسه و نسبت به ترجیحات خود رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری کنند و حتی بتوانند تأثیر تغییر یک یا چند سیاست را در نتیجهٔ بازی، بررسی و ارزیابی کنند. همچنین، با استفاده از نتایج بازی و مقایسهٔ آن‌ها با یکدیگر می‌توان بهترین راهبرد را انتخاب کرد. تغییر شرایط، می‌تواند سبب تغییر پیامدهای هر تصمیم و درنتیجه، تغییر نتایج این بازی شود؛ ازاین‌رو، با شرایط موجود، پایان بازی از دید پژوهش حاضر این‌گونه است که در گره تصمیم‌گیری اولیهٔ بازی، آمریکا وضع تحریم‌های اقتصادی و مالی را انتخاب کرده و ایران در واکنش به این انتخاب، گزینهٔ صبر راهبردی (که دربرگیرندهٔ دور زدن تحریم‌ها و غیرقانونی جلوه دادن آن در عرصهٔ بین‌الملل است) را انتخاب می‌کند؛ بنابراین، با سیاست حفظ وضع موجود توسط آمریکا به نقطهٔ پایان موقت بازی می‌رسیم که نشان‌دهندهٔ پایان دور نخست بازی و یک نقطهٔ تعادل ناپایدار در کوتاه‌مدت است. شروع مرحلهٔ دوم بازی که با انتخاب حملهٔ محدود از سوی آمریکا (حمله‌های خرابکارانه، حملهٔ نظامی محدود، توقیف نفت‌کش‌های ایران، و...) آغاز می‌شود و ایران، تقابل (که دربرگیرندهٔ تهدید به بستن تنگهٔ هرمز، توقیف نفت‌کش‌ها، حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا، جنگ‌های

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

نیابتی، و... است) را انتخاب می‌کند و مرحلهٔ دوم بازی، بدون داشتن نقطهٔ تعادل به‌پایان می‌رسد. بازی با انتخاب دوبارهٔ آمریکا و حملهٔ محدود در مرحلهٔ سوم، آغاز می‌شود و واکنش ایران، انتخاب تقابل است و بازی در نقطهٔ حفظ وضع موجود به‌پایان می‌رسد که نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که هیچ‌یک از بازیکنان، نه قصد مصالحه دارند و نه عقب‌نشینی و همچنین، توان به‌زانو درآوردن بازیکن دیگر را نیز ندارند. اما همچنان سهمی از بازار ایران توسط آمریکا تصاحب شده است.

مهم‌ترین پیشنهادی که می‌توان در زمان حاضر و با شرایط فعلی ارائه کرد، عدم تقابل نامتوازن است؛ زیرا، بروز یک تقابل متوازن، می‌تواند سبب کاهش پیامدهای منفی آمریکا در انتخاب تصمیم حملهٔ تمام‌عیار شود و مسیر جنگ نفتی به نقطهٔ پایانی جنگ تمام‌عیار می‌رود. پیشنهاد دوم، افزایش پیامد انتخاب صبر راهبردی است که ایران با استفاده از روش‌های جدید (استفاده از رمز ارزها، تغییر در تجارت با کشورهای تحریم‌شدهٔ دیگر، تغییر روش‌های تجاری مانند نفت در مقابل کالا یا پول ملی، و...) هرچند به‌گونه‌ای موقت، به کاهش اثرات تحریم‌ها کمک کند. پیشنهاد سوم، کاهش پیامد انتخاب پذیرش مذاکره است.

بنابراین، اگر این واقعیت را بپذیریم که این بازی (جنگ) نفتی ایران و آمریکا، نقاط پایانی جز چهار حالت تسلیم ایران، جنگ تمام‌عیار، توافق طرفین، و پذیرش سهم ایران ندارد (نقطهٔ حفظ وضع موجود نمی‌تواند همیشگی و پایدار باشد) و در این بازی این آمریکا است که انتخاب‌کنندهٔ سه نقطهٔ پایانی جنگ تمام‌عیار، توافق طرفین، و پذیرش سهم ایران است، چون پذیرش سهم ایران پیامد منفی‌تری نسبت به جنگ تمام‌عیار دارد (پذیرش سهم ایران همیشه مغلوب است)، ازاین‌رو آمریکا همواره جنگ تمام‌عیار را بر پذیرش سهم ایران ترجیح می‌دهد و درعمل، این نقطهٔ پایانی نمی‌تواند رخ دهد. افزون‌براین، ایران نیز جنگ تمام‌عیار و توافق را بر تسلیم شدن ترجیح می‌دهد؛ بنابراین، درعمل، دو نقطهٔ پایانی محتمل در پایان این بازی باقی می‌ماند و بی‌تردید، پیامدهای توافق طرفین برای ایران، بیشتر از جنگ تمام‌عیار است؛ ازاین‌رو، تنها راه رسیدن به آن، کاهش پیامد منفی پذیرش مذاکره است که در شرایط فعلی، بی‌تردید، بهترین پیامد را نسبت وضع فعلی ایران دارد.

Refrences

Frondel, M. & Horvath, M. (2020) The U.S. Frocking Boom: Impact on Oil Prices, Ruhr Economic Papers Dynamic Network Analysis of the World Oil Market: Analysis of OPEC and Non-OPEC Members. Eneeco, Energy Economics.

Khatami, S. (2020), Analysis of Game Theory in Accounting Systems Respect to Agents: OPEC Countries. Energy Economic Journal, 16(64). (in Persian).

Maduabuchi, U. & Jungho, B. (2017). Do Oil Prices Really Matter to US Shale Oil Production?. Energy Sources, Part B: Economics, Planning, and Policy, 12(3), 268-274.

Sabtan, B, Kilgour, D M.D & Hipel, K.W (2019). Assessing the Effectiveness of Economic Sanctions, EURO JDecis Process. 7, 69–82.

Shahrirari, S., Firoozan, S., & Farazmand, N. (2019). Survey Oil Policies of Iran in OPEC, respect to Game Theory. Journal of Political Research In Islam, 9(1). (in Persian).

Torabi, M. & Manzoor, D. (2019). Survey Global Oil Market with Respect of Shail Oil: Dynamic System. Energy Economic Journal, 15(63). (in Persian).

Tuama, A. S. (2018). The Impact of the Development in Shale Oil Production on Crude Oil Prices and Future Prospects. A Literature Review, 10.

Zhulanovaz, J. H. & Bjrnlandy, C. (2018). The Shale Oil Boom and the U,S, Economy: A Time-Varying Analysis. Centre for Applied Macro and Petroleum Economics.